بنام خدا

اُمید

هفته نامهٔ مردم افغانستان

در امریکا نسخه $1.50

شمارهٔ ۹۸۵

شمارهٔ دوازدهم /سال ۲۳/ چهارشنبه ۱۴ عقرب ۱۳۹۳ / ۱۲ محرم الحرام ۱۴۳۵/ ۵ نومبر ۲۰۱۴/ شمارهٔ مسلسل ۹۸۵

افغان مینی مارکیت عرضه کنندهٔ انواع مواد خوراکهٔ وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشهای تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند

ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با
Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

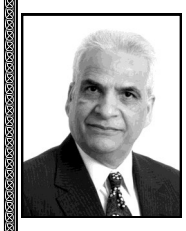

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

STATE FARM INSURANCE

نکوهش مکن چـــرخ نیلوفری را — برون کن ز سر بـاد خیره سری را
بَری دان ز افعـــال چرخ برین را — نشـــاید ز دانـــا نکـوهش بری را
چوتو خود کنی اخترخویش را بد — مدار از فلک چشم نیک اختری را
بسوزند برگ درخـــــتان بی بر — سزا خود همین است مر بی بری را
درخت تو گر بـــار دانش بگیرد — به زیـــر آوری چـــرخ نیلوفری را

حجت خراسان حکیم ناصرخسرو بلخی قبادیانی (رح)

معاون والی قندهار در داخل دانشگاه ترور شد

۲ نومبر/قندهار-خبرگزاری بخدی : مقامهای ولایت قندهارمیگویند عبدا لقدیم پتیال، معاون این ولایت در دانشگاه قندهار هدف گلوله باری یک مهاجم مسلح قرار گرفت. دواخانه مینه پال، سخنگوی ولایت گفت این رویداد حوالی ساعت ۶:۴۵دقیقه شام در داخل صنف درسی دانشگاه قندهار صورت گرفت. مینه پال افزود پتیال درین گلوله باری نخست زخمی شدوبه شفاخانه انتقال داده شد، امابراثر جراحات شدیددرشفاخانه جان به حق سپرد.

مهاجم مسلح پس از تیراندازی، موفق به فرار شد .تاکنون مشخص نیست که مهاجم چگونه به داخل دانشگاه راه یافته، هرچند رفت وآمد دراغلب دانشگاهها آزاداست و کسی مورد بازرسی بدنی قرار نمی گیرد .

احمدزي : برای حل مشکلات هندوها وسیک ها اقدامات فوری صورت می گیرد

۵ نومبر/کابل -خبرگزاری بخدی : احمدزی دردیدار با نمایندگان اقلیت مذهبی هندو وسیکهای افغانستان گفت دولت برای رسیدگی به مشکل هاو خواستهای آنان اقدامهای فوری را روی دست میگیرد. دیروزبانمایندگان هندو هاو سیکها ازولایتهای کابل، قندز، ننگرهار، خوست وغزنی دیدار کرد. هندوها ازرئیس جمهورخواستار رسیدگی به جایدادهای غصب شده شان شدندکه از سوی برخی از زورمندان، تعدادی ازمکانهای مذهبی وجایدادهای شخصی آنان درگذشته غصب شده است. آنان فعالیتهای اقتصادی شانرامهم خوانده وگفتند برای این اقلیت مذهبی باید زمینه بیشتر فعالیت اقتصادی مهیا شود.

احمدزی گفت هندوها وسیکهای افغان که درداخل کشور تجارت میکنند، به فعالیتهای اقتصادی شان ادامه دهند وبودجهٔ برای بازسازی یک مکان تاریخی هندوها درولایت ننگرهار در ولسوالی سرخرودبرای سال آینده اختصاص خواهد داد تا این مکان تاریخی احاطه شود.

هندوها وسیکها دربرخی ازولایات زندگی میکنند وآنان در دوران ریاست کرزی بدلیل برخی ازمشکلها، اقدام به مهاجرت دستجمعی کردند؛ امابامخالفت رئیس جمهوراز اقدام شان صرف نظر کردند.

مجلس حق معرفی اعضای کمسیون های انتخاباتی به دادستانی کل را ندارد

۵ نومبر/کابل -خبرگزاری بخدی: یوسف نورستانی، رئیس کمسیون مستقل انتخابات میگویداعضای مجلس نمایندگان ازنگاه قانونی حق ندارنداعضای کمسیونهای انتخاباتی رابرای تحقیقات به دادستانی کل معرفی کنند. این اظهارات درحالی بیان میشودکه امروزچهارشنبه، مجلس نمایندگان، رئیس دو کمسیون انتخابات و شکایات انتخاباتی رابه مجلس فراخوانده بوداماهیچیک از دو رئیس در جلسه حضور نیافتند.

درپایان نشست امروزمجلس نمایندگان فیصله شدکه اعضای هردو کمسیون به دادستانی کل معرفی شوند. نورستانی درمصاحبهٔ در واکنش به فیصله مجلس گفت: ما ازمجلس نمایندگان رای اعتماد بدست نیاوردیم وبرای استجواب به این مجلس نخواهیم رفت. اعضای کمسیونهای انتخاباتی تنها درمقابل حکومت پاسخگو هستند و به دلیل این که از مجلس نمایندگان رای اعتماد به دست نیاوردند حاضر به جواب دهی در مقابل اعضای مجلس نیز نخواهند شد.

اومیگوید کمسیون آمادگیهای لازم بشمول هزینه های مالی را برای برگزاری انتخابات پارلمانی رویدست گرفته واکنون روی تقسیم اوقات برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان کارمیشود ودرهفته آینده تقسیم اوقات را اعلام خواهد کرد .

عظیم جسور به ابدیت پیوست

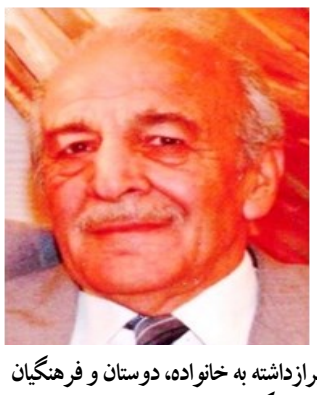

۲ نومبر/کابل -باختر: بعظیم جسور نویسنده وهنرمندکشور، درشهر تورنتوی کانادا به عمر ۷۷ سالگی داعی اجل را لبیک گفت. جسور در دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی بحیث معاون مدیریت درام دیالوگ رادیو کار می کرد ودهها داستان دنباله دارورادیو درام نوشته وچندین برنامه ادبی و هنری دیگررا نیزتهیه مینمود. وی در چندفلم هنری نیز نقش داشته است .

داکتررهین وزیراطلاعات وفرهنگ مراتب تاثرعمیق خودرا ازین ضایعه ابرازداشته به خانواده، دوستان و فرهنگیان کشور غمشریکی کردوافزود : درآن سالهاکه هنوزتلویزیون نبود، درامه، داستان ها وپارچه های تمثیلی رادیوافغانستان پرمخاطب ترین وسیله سرگرمی خانواده هابود و جسور در زمینه بسیار زحمت کشید وبرنامه های نکویی را به هموطنان عرضه داشت. روانش شاد باد .

خبرتازه ازحادثه غرق شدن قایق حامل افغان ها

۵نومبر/انقره -خبرگزاری بخدی :پلیس ترکیه یک رشته اطلاعاتی درمورد حادثه غرق شدن قایق حامل مهاجران افغان درآبهای استانبول، منتشرکرد. این قایق ۴۴نفرسرنشین داشته که ۴۳نفرآنهاملیت افغان رادارندویکنفردیگرکاپیتان قایق بوده که ملیت اوترک است، کاپیتان نیزشامل مفقودشدگان است که هنوز سرنخی از زنده ماندن و یا مرگ او در دست نیست.شام روزگذشته، جسدیک زن ویک کودک چهارساله ازمیان شکستگیهای قایق پیدا شد، احتمال میرودکه درهنگام پرتاب شدن، گوشهٔ ازلباس این خانم در قایق گیرمانده وهمراه با کودکش زیرقایق کشانده شده است.اسم قایق(تورون) بوده که یک هفته قبل خریداری شده وبعددر اختیارقاچاقبران قرارگرفته است .(دنباله درصفحهٔ هشتم)

عکس داخل دایره احمدشعیب است، که ٦ عضوخانواده اش را از دست داد .

لغو برخی از محدودیت ها برعملیات های ناتو !

۴ نومبر/کابل - تلویزیون نور: جنرال جان کمپبل فرمانده عمومی نیروهای بین المللی درافغانستان ازتلاشهای حکومت کابل مبنی بر لغو محدودیتهای وضع شده برعملیاتهای نظامی ناتودرافغانستان خبرمیدهد. کرزی دردوران ریاستش یک سلسله محدودیتهارابه هدف کاهش تلفات افراد ملکی برای عملیات های نظامی ناتو در افغانستان وضع کرده بود .اماحال رهبری نیروهای بین المللی درافغانستان میگویدحکومت جدید افغانستان میکوشد محدودیتهای وضع شده برعملیاتهای نظامی را لغو کند. وی درصاحبه باروزنامه والستریت ژورنال گفت افغانستان درحال حاضر رئیس جمهور نودارد که با جامعه جهانی همکار است و از قربانی های نیروهای خارجی سپاس گذاری می کند .

تفاوت دیدگاهها درموردمعرفی اعضای کابینه

۴ نومبر/کابل - تلویزیون نور: پس ازبه بن بست خوردن روند انتخابات، اشرف غنی احمدزی وداکترعبدالله رهبران دوتیمانتخاباتی با میانجیگری جامعه جهانی برسرتشکیل حکومت وحدت ملی توافق سیاسی کردند. رهبران حکومت وحدت ملی به تاریخ هفتم میزان سالجاری حلف وفاداری یادکردند؛ اماباگذشت۳۷ روز ازشروع کار، تاکنون اعضای کابینه مشخص نیست و گفته هایی مبنی براختلاف نظرهامیان رئیس جمهورو رئیس اجرایی درز کرده است.

مجیب الرحمن رحیمی سخنگوی ریاست اجرایی حکومت میگوید کمیته مشترکی به نمایندگی ازرئیس جمهوری ورئیس اجرایی برای گزینش اعضای کابینه کارمیکند، اماتفاوت دیدگاه میان نمایندگان رئیس جمهور ورئیس اجرایی وجوددارد. رحیمی ادعادارد که رئیس جمهوراحمدزی برای گزینش اعضای کابینه برنامه مدونی ندارد . تقسیم مساویانه قدرت میان رئیس جمهورو رئیس اجرایی یکی از موردهای اختلافی پیش ازامضای توافقنامه حکومت وحدت ملی بود. اکنون نیز گفته میشوداین اختلافهایکباردیگر اوج گرفته است.

وزارت دفاع : انتقادات پاکستان بی جاست

۳۰اکتوبر/کابل - تلویزیون نور: ارتش پاکستان اعلام کردکه حکومت افغانستان درمبارزه با تروریسم در وزیرستان شمالی کمک نکرده است.عاصم سلیم بجوا سخنگوی ارتش پاکستان روزچهارشنبه گفت پیش ازین ارتش درزمینه مبارزه باتروریسم در وزیرستان شمالی ازحکومت افغانستان کمک خواست بود؛ اما حکومت افغانستان توجه لازم نکرده است. پاکستان ادعا میکند که ازمقام های افغانستان خواسته بودندتامانع شورشیانی شود که درجریان عملیات جاری در وزیرستان شمالی به داخل افغانستان فرارمیکنند.اماوزارت دفاع ملی این ادعای ارتش پاکستان را ردمیکند ومیگوید تروریستان درآنسوی خط مرزی دیورندپناهگاه دارند نه در خاک افغانستان.

عملیات ارتش پاکستان علیه تروستان پس ازحمله مرگبار برمیدان هوایی کراچی در ماه جنوری راه اندازی شد. وزارت دفاع ملی از آغازاین عملیات استقبال کرد، اماوزارت خارجه افغانستان پیش از این گفته است که درین عملیات تنهاطالبان پاکستانی هدف قرار گرفته اندوپاکستان درجهت سرکوب شبکه حقانی اقدام نکرده است.

طالبان به یک گاو تجاوزجنسی کردند و

۴ نومبر/کابل - پیام روز: مقامات بدخشان امروزسه شنبه تایید کردندکه دو طالب درولسوالی جرم به یک گاو تجاوزجنسی کردند. به گزارش رسانه های محلی، گل احمدبیدار معاون والی بدخشان گفت این رویداد دیروزدوشنبه در منطقه دهراوچ به وقوع پیوست، ومردم محل هنگام با خبرشدن از این رویداد، خشمگین شدند و دوطالب مذکور راموردلت وکوب بسیارشدیدقراردادند. درنتیجه لت وکوب، یکی ازدوطالب شدیداً زخمی شد.

این هردو عضوگروه طالبان پس از ارتکاب جرم به منطقه تحت نفوذ طالبان عقب نشینی کردند. طالبان تاهنوز در مورد این اتهام اظهار نظری نکرده است .

احمدزی نامش را تغییر داد

۳۰اکتوبر/کابل - پیام روز: دفتر ریاست جمهوری با ارسال نامه به ادارات دولتی از آنهاخواست ازین بعددرنامه‌های رسمی ودپلوماتیک رئیس جمهور احمدزی رافقط (محمداشرف غنی) خطاب کنند. این دفترازآنان خواستار حذف پسونداحمدزی ازنام غنی درنامه‌های رسمی ودپلوماتیک شد.براساس این نامه که به امضای عبدالسلام رحیمی، رئیس دفترریاست جمهوررسیده، بعد از این به جای اشرف غنی احمدزی ، از عبارت محمد اشرف غنی استفاده خواهد شد.

خبربرداشته شدن پسوند احمدزی ازنام رئیس جمهورباستقبال کاربران شبکه‌های اجتماعی روبروشده زیرابه باورآنان پسوند احمدزی تداعی کننده تعلق تباری وی به قوم احمدزی، یکی ازاقوام موجوددرکشوراست درصورتی که اشرف غنی بعنوان رئیس جمهوربه گونه مساوی متعلق به تمام مردم کشور است.به زعم این شبکه‌های اجتماعی حذف پسوندهای قومی ازنام شخصیت های مهم ومطرح کشورمیتواندبه تقویت منش ملی وکمرنگ شدن تمایزات تباری ناشی از وجود پسوندهای قومی بیانجامد.(تبصرهٔ امیدبراین خبردرص۷)

دربمب گذاری انتحاری در لوگر نه تن شهید شدند

اول نومبر/کابل - تلویزیون نور: درپی بمب گذاری انتحاری در ولسوالی ازر ولایت لوگر، نه تن شهید شدندو ۲۰نفرزخم برداشتند. سخنگوی والی لوگر گفت بمبگذاریک موترمملو ازمواد منفجره را چاشت امروز، درمقابل پاسگاهی در نزدیک یک روستای ولسوالی ازر منفجر کرد.

درپی این حمله۶ پلیس و سه سرباز ارتش ملی شهید شدندو ۲۰ نفر بشمول شش کودک زخم برداشتندوسه خانه مسکونی و یک مسجد به صورت قسمی تخریب شده است.

اعزام دوصد پلیس زن جهت آموزش به ترکیه

اول نومبر/کابل - تلویزیون نور: حضور زنان درصفوف پلیس ملی برای بهبود وضع امنیتی وگرفتاری مجرمان اثرگذارگفته میشود. ظرف سالهای اخیر شمارزیادی ازخانمهابه صفوف پلیس جذب شده اند وهم اکنون مصروف تامین امنیت کشوراند.

وزارت داخله میگویددوصدسربازپلیس زن را جهت فراگیری آموزشهای نظامی و اداری به ترکیه میفرستد. جنرال اکرام الدین یاورمعین اداری میگوید این زنان درمدت چهارماه این آموزشها را فرامی گیرند ومصارف آموزش آنان ازسوی جاپان پرداخت می شود.

جنرال حکمتشاهی رسولی رئیس جندر وزارت داخله گفت یکی از تعهدات حکومت افغانستان باجامعه جهانی تکمیل کردن پنجهزار پلیس زن درصفوف پلیس ملی تاآخرامسال است. خانم رسولی تاکید میکندکه باجذب پلیس زن درقطارپلیس ملی خشونت علیه زنان کاهش خواهد یافت . این زنان درحالی جهت آموزش به ترکیه فرستاده می شوند که نبود پلیس زن در برخی از مناطق کشورسبب شده که حصهٔ از قضایایی جنایی پوشیده باقی بمانند .

واکنش مقامات دولتی دربرابر فتوای عربستان

۴ نومبر/کابل - پیام روز: فتوای عربستان سعودی در رابطه به جنگ روان افغانستان مورد استقبال مقامات دولتی قرارگرفت. روزنامه مستقل محورنوشت وزارت حج واوقاف افغانستان از تصمیم اخیر علمای دینی سعودی مبنی براینکه درنظردارندفتوای شرعی درمورد جنگ روان این کشور، صادر نمایند استقبال میکند. این وزارت می گویدصدورفتوای شرعی بزرگترین دارالافتای جهان میتواندرزمینه روشن ساختن اذهان تمویل کنندگان داخلی وخارجی این جنگ کمک نماید.

روزنامه مستقل ویسا هم درهمین موردبه نقل ازمقامات دولتی درمطلبی نوشته این اقدام علمای سعودی میتواند مانع جذب جوانان در صفوف مخالفین مسلح گردد.روزنامه میفزاید شورایعالی صلح افغانستان ازین اقدام عربستان سعودی استقبال کرده میگوید برای پایان یافتن جنگ در کشور باید تلاش های جدی روی دست گرفته شود .

WORLDWIDE TRAVEL INC.

CHEAP AIR FARES TO
KABUL
FROM ALL U.S. CITIES
DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS
Emirates · TURKISH AIRLINES TÜRK HAVA YOLLARI · Safi Airways · Kam Air · flydubai
866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD
AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT
AF Insurance Group
(703) 348-6247
Allstate You're in good hands. Auto Home Life Retirement
13044 Fair Lakes Shopping Center
Fairfax Virginia 22033
abdulfitrat@allstate.com
We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.
Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE, Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

محمدنعیم کبیر — سکرمنتو ـ کالیفورنیا

درشناخت رویکردهای سیاسی نباید اشتباه کرد

بیش از ۳۵ روزاز کارحکومت جدیدمیگذرد، ولی هنوزتعریفی از دوست و دشمن ارائه نشده است. تاهنوز اقدامات عملی درمورد اصلاح قانون وساختار های کمسیون انتخابات دیده نمیشود. وعده هایی اینجا وآنجابگوش میرسد، تا ملت راآرام سازند، مگراین وعده ها درعمل پیاده نمیشود. یکطرف موافقتنامهٔ سیاسی با جدیت مصروف بدست آوردن امتیازات سیاسی است، وجانب دیگر دریک سکوت مرگبارفرورفته و جز مراسم اهدای چپن وپکول سرگرمی دیگری ندارد ! کشوربه کجا می رود ؟

(طالبان وطنپرست؟!) اشرف غنی احمدزی رئیس جمهورمتقلب، در چندبیانیه نامی ازطالبان نبرده ومخالفان سیاسی راعنوان کرده است. درجایی هم به تفسیر این بدعت سیاسی نامیمون پرداخته ویکقدم فراتررفته مخالفان سیاسی را وطن پرست خوانده ! احمدزی مانندسلف خودکرزی، میخواهدازیکطرف به نعل بزند واز طرف دیگر به میخ ! راهی که سیزده سال افغانستان رابه پرتگاه بحران وتجزیه کشانید .درنیات غنی احمدزی نباید اشتباه کرد. اوسالهاقبل برای احراز این کرسی تمرین وتریننگ داده شده است، ازخلال نطق های او که از انگلیسی به پشتو وفارسی ترجمه میشود، وپر از اغلاط املایی و انشایی وتوهین به ادبیات فارسی است، چنین معلوم میشود که او مجبور به طی طریق است که پیش پایش قرارداده شده است. همان راهی که بسوی ترکستان روان است ! تعریف طالبان به غیرازوطن فروش، جنایتکار ودشمن مردم افغانستان، کوشش درراستای تطبیق شئونیسم وفاشیسم قبیلوی است که ازچندین دهه به اینطرف قدرت های منطقه وفرامنطقه باآن همکاربوده اند. مفاهیمی ازقبیل (اشتراک عقیده ووطن پرستی) طالبان ومردم افغانستان، توهینی است به ملت، به ملتی که هرروز جوانانش به خاک وخون می افتدوبخشی ازخاکش ضمیمهٔ پاسکتان میشود. اگر مردم افغانستان وطالبان در مورداسلام هم عقیده شمرده شوند، یک تهمت ویک افتراء ویک بهتان است، که اسلام ازآن شرم دارد .

جناب استادعبدالرب الرسول سیاف دریک محفل عام گفت که طالبان حرام را حلال، وحرام را حلال میدانند. آنهاکافرهستند. باچه جرئتی میتوان یک طالب رامسلمان گفت؟ شرم برکسانیکه چنین تحلیلی رامیخواهند به خوردملت بدهند. آقای احمدزی میگوید طالبان وطنپرست هستند ! شایداین درسی باشد که توسط کاکای شان قیوم خان کوچی احمدزی ! ضرورت نیست تادرموردوطن پرستی و ایمان وعقیدهٔ طالبان بحث شود. زیراآنچه عیانست چه حاجت به بیان ؟

هنگامیکه برای اولین مرتبه کاروان نصیرالله بابر باطالبان به عزم ترکمنستان حرکت میکرد، ونام طالبان برای نخستین باربرسرزبانها افتاد، درهمین هفته نامه وازهمین قلم طالبان (یک حرکت ضدافغانی ضداسلامی وضدانسانی) خوانده شد. این پیش بینی به یک حقیقت غیرقابل انکارمبدل شد .

آنهایی که طالبان رابرادرمیخوانند، آنهایی که طالبان رامسلمان می خوانند وهم عقیده باملت، آنهایی که طالبان راوطنپرست میخوانند، در دین وعقیده وایمان ووطنپرستی خودآنها شک وتردیدموجود است. آنهادر پی طرح وتطبیق دکترین استبدادیک قوم بالای اقوام دیگرهستند، وبرای رسیدن به این هدف، بندی وبردگی بیگانگان را پذیرفته اند و ازاظهارآن شرم ندارند.

این بارآمدن طالبان، یک پروژه نیست، آمدن آنها اتحادتمام عناصر غیرملی بخاطر قلع وقمع تمام کسانیست که ازتغییراقتدارقومی به اقتدارملی حرف دارند. وقتی احمدزی ازاشتراک عقیده واشتراک وطنپرستی با طالبان سخن میگوید، منظورش حلقهٔ فاشیستهای قبیله سالاری است، که باطالبان نه تنهادر دیانت ووطن پرستی همسویی دارند، بلکه طالبان رااز خود وخودرا ازطالبان میدانند. دیانت و عقیدهٔ مشترک یعنی کشتن همهٔ آنهاییکه باآنهاسرناسازگاری دارندووطن آنهاسر زمینی که جای مهاجران ایرانی، تاجیکستانی، ترکمنساتی و ازبیکستانی نیست، وتنهابه آنهاتعلق دارد، تعلقاتی که پاکستان برچون وچرای آن حاکم خواهد بود.

این حلقه هرروز محکمترشده میرود، مسئولیتهای امنیتی که به تمام اقوام کشورتأثیرمستقیم دارد، دراولین روزپس از(تعلیف!) به فردی که باتمام سازمان های متعدد جاسوسی خارجی(انگریز، روس، پاکستان) سابقهٔ همکاری دارد، بخاطر پختون بودن سپرده میشود (بدون مشوره وموافقهٔ جناح دیگرحکومت)، گواه تحکیم حلقهٔ قبیله سالار است. انتصاب فاسدترین، بدنام ترین ونالایق ترین وزیرکرزی، درسمت مشاورمالی، حکایت دیگری از پرواز همجنس با همجنس است (پختونیسم) !

کجاشدحرفهای شایسته سالاری؟ هرروز درچپ وراست غنی احمدزی چهره هایی به مشاهده میرسد که طی سیزده سال مردم ازدیدن وناکارآیی آنهابه فغان آمد اند. به تحقیق چهره هایی که از انتخابات تقلبی وکمسیونهای متقلب دفاع میکردند، فردا برای اخذ رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی خواهندشد، وبه تحقیق، باز هم متملقین، همانطورکه ازدیانت ووطنپرستی طالبان دفاع میکنند، از انتصاب وزراء جهت تکمیل حلقهٔ قبیله سالاران به دفاع برخواهند خاست وبه ریش ملت خواهند خندید !

به حاشیه راندن رئیس اجرائی:آقای مجیب الرحمن رحیمی، سخنگوی ریاست اجرایی روز۲ نومبر۲۰۱۴، یعنی ۳۴روزبعدازمراسم تحلیف احمدزی گفت ا: (... پیش ازاصلاح قانون انتخابات، هیچگونه انتخاباتی دایرنخواهد شد...) این انسان تحصیل کرده وقاطع که باقامت رسا دردوران انتخابات ازتقلبات گسترده به شدت شکایت داشت، امروز باقامت خمیده وچهرهٔ برآشفته ازدایر نشدن انتخابات مجلس نمایندگان حرف میزند. مگراصلاح کمسیونهاوقوانین انتخاباتی از اولویتهای برنامهٔ انتخابات همگرایی و اصلاحات نبود ؟ جناب داکترعبدالله یا نخواسته ویانتوانسته است درمدت سی وپنج روزدست به اقداماتی بزند که لااقل موجودیت اورا درحکومت وحدت ملی تثبیت نماید .

جای تأسف است که پس ازچانه زدنها برای تحقق عدالت وتقسیم پنجاه پنجاه قدرت سیاسی، اکنون تنهارئیس جمهورمتقلب است که ۸۴٪ مردم به محبوبیت وموفقیت او، دریک نظرخواهی فرماشی رأی داده اند. اینگونه نظرخواهی های عجولانه باطرح سئوالهایی که با دقت تهیه شده ازطرف تیم های خارجی، تاکتیک دیگریست برای بلندبردن حیثیت ملی رئیس جمهوروبه حاشیه راندن ریاست اجرائی . با اندوه فراوان، آینده شاهدآن خواهد بود که جناب داکتر عبدالله صحنهٔ سیاسی کشوررا کاملاًبه رئیس جمهورمتقلب واگذارخواهد نمود، ویکبار دیگر آرزوهای پاک بیش ازچهارملیون افغانستانی را با پذیرفتن قرائت های قبیلوی ازحکومت وحدت ملی، به بادفنا خواهد داد. اگرداکترعبدالله نتواند باابتکارعمل، کمسیون انتخابات راکه اکثریت مردم افغانستان وسازمان

داکترمیرمحمدیونس (مشرف پویان) — دابلن ـ کالیفورنیا
ام دی ـ پی اچ دی

یادی ازعاشورای حسینی وقهرمان فاجعهٔ کربلا

حضرت امام حسین، نواسهٔ منجی عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی (ص) وقهرمان فاجعهٔ کربلا است. انقلاب اسلامی عاشورای حسینی رامیتوان ازاصیل ترین انقلابهای خونین جهان محسوب کرد. درزمان زمامداری یزید بن معاویه، وضع عمومی اجتماع اسلامی در مرحلهٔ هول انگیزی قرارگرفته بود، ظلم وستم یزید وکارکنان او مردم راشدیدامنزجرساخته بود. یزیدملعون دراشعارش عقایداسلامی رادرمورد قیامت وبهشت ودوزخ، مورداستهزا قرارمیداد. بروایت عالم بزرگواربسط ابن جوزی(قرن۶هجری)، یزیددرسال اول حکومتش، حضرت امام حسین ویارانش رابه شهادت رسانید، در سال دوم به مدینه امرحمله داد، ومدینه رابرای عساکرخودمباح قرار داد، و درسال سوم خانهٔ کعبه رابا منجنیق سنگباران کرد وویران ساخت (تذکره الخواص ابن جوزی ص۱۶۳) .

روزعاشورا را میتوان روز سرنوشت سازبرای حریت وآزادی اسلام نامید. لذاحسین بن علی علیه السلام وظیفهٔ وجدانی وایمانی خود دانست که اسلام را ازمرحلهٔ بحرانی وخطرسقوط نجات بخشد. روی این مفکورهٔ عالی، ازبیعت کردن با یزید سرباز زدودرنتیجه با۷۲نفر ازجوانان، منسوبین ویاران باوفایش مقابل عساکرمجهز یزید بمقابله پرداخت وشربت شهادت نوشیدند. متعاقباً اهل بیت خاندان نبود، که شامل افراد بیمار، کودکان وزنان زجرکشده بود، باشرایط خیلی ناگوار، توأم با زجر وشکنجه به اسارت رفتند.

حضرت امام حسین علیه السلام که پرورش یافتهٔ خاندان نبود و امامت است، به شجاعت، فتوت وجوانمردی، کرامت وبزرگواری، بلندهمتی، خوش خلقی، علم و حلم، تزکیهٔ نفس، جود وسخا، حق شناسی، گرهگشایی، عزت نفس، ادب واحترام وسایرصفات خجسته که ازخصوصیات خاندان نبوت است، متصف بود.

درموردحادثهٔ کربلا ومقام حضرت امام حسین، قطعه شعری از محتشم کاشانی، ونظریاتی ازدوعالم معروف ذیلاً تقدیم می گردد :

کشتی شکست خوردهٔ طوفان کربلا — درخاک وخون تپیده به میدان کربلا
گرچشم روزگار براو زار میگریست — خون می گذشت از سر ایوان کربلا
نگرفت دست دهر گلابی به غیراشک — زآن گل که شدشکفته به بستان کربلا
از آب هم مضایقه کردند کوفیان — خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو وددهمه سیراب می مکند — خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا
زآن تشنگان هنوز به عیوق میرسد — فریاد العطش ز بیابان کربلا
آه ازدمی که لشگراعدا نکرد شرم — کردند رو به خیمهٔ سلطان کربلا
آن دم فلک برآتش غیرت سپند شد — کزخوف خصم درحرم افغان بلند شد

۱ـ استادعباس محمود عقاد : استادعقاد مصری مؤلف کتاب حسین ابوالشهداء است. اواظهار میداردکه شجاعت حسین صفتی است که درموردشخصیتی مانندحسین، تعجب آورنیست، زیراشجاعت اومانند ظهورطلا ازمعدن آن است، بعبارت دیگرمیتوان گفت که حسین معدن شجاعت است وحسین این صفت و این فضیلت رااز پدران و نیاکان خودبه ارث برده وبه فرزندان خود به ارث گذاشته است. حسین(ع) درجنگهای افریقای شمالی وطبرستان و قسطنطنیه شرکت کرده بود، ودرجنگهای جمل وصفین نیز باپدرش شرکت داشت. لذا درمیان فرزندان آدم، کسی درشجاعت، قوت قلب وقوت روحی شجاعتر از شخص حسین درمقایسه باآنچه او درواقعهٔ کربلا انجام داد، پیدانمیشود. استاد عقاداضافه میکندکه حسین بن علی(ع) درشجاعت روحی وجسمی درین مردم ضرب المثل بود، وبرای اوهمین کافی است که درطول صدهاسال تاریخ دنیا، حسین علیه السلام همچنان شهیدفرزند شهید و پدرشهیدان باقی مانده است .

۲ـ داکترمحمد عبده یمانی: داکترمحمدعبده صاحب کتاب(اعلموا اولادکم محبته آل بیت النبی(ص)؛ بوده ودربارهٔ امام حسین علیه السلام چنین نوشته است: یکی از دو سبط پیغمبر(ص) ویکی از دو ریحانهٔ رسول الله(ص)، ابو عبدالله حسین بن علی بن ابی طالب، زینت بنی هاشم و جوانمرد قریش است. حضرت امام حسین(ع) عابد و مطیع، متواضع به خداوند وهمیشه روزه داربود. شبهادرحال قیام و نماز بسرمیبرد، ودرانجام کارهای نیک برهمه سبقت میجست. حسین(ع) نیکوکاروبزرگواربود، بااهل وعیال خودمهربان وپناهگاه کسی بودکه از اودرخواست کمک میکرد، ازدنیابریده وبه خدا پیوسته بود. به نقل ازمصعب زبیری، اوبیست وپنج مرتبه پیاده به زیارت خانهٔ خدارفت، درشدائد صبور ودر وقت نزول محنت هاقوی بود، خشمگین نمی شدودروقوع پیشآمدهای ناگوار بیتابی نمیکرد و اظهارعجز نمی نمود. حسین(ع) به مقدرات الهی کاملاً راضی و به خواست خدا(ج) درواقعات وپیش آمده هامطمئن بود.

امام حسین(ع) درتشیع جنازهٔ شرکت فرمود، درحالیکه روی قدم هایش گرد وخاک نشسته بود. ابوهریره برخاست تاگردوخاک را از روی قدمهای امام پاک کند، امام حسین به اوگفت: آیاتوچنین می کنی؟! یعنی زحمت نکشید. ابوهریره گفت: مراآزاد بگذار، به خدا قسم اگرمردم میدانستندآنچه راکه من دربارهٔ تومیدانم، تو راروی گردنهای خودحمل میکردند.

اشعاری به آن حضرت منسوب است که ترجمهٔ فارسی آن اینست:

اگربدن هابرای مرگ آفریده شده اند، پس کشته شدن درراه خدا بهتراست. و اگر روزی های مردم تقسیم شده ومقدراست، پس کمی حرص مرد دربه دست آوردن آن نیکوتراست. اگرنباشدکه انسان از اموال منصرف شده و دست بکشد، پس چرا مرد ازچیزی که آنرا ترک خواهدکرد، بخل می ورزد ؟

درودفراوان برروان پاک حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام وتمام شهدای کربلا ! /

****

های ملی وبین المللی به خیانت آن باورکامل دارند، ازسر راه ملت بردارد، دیگرهیچکاره ای خواهدبود . اگرداکترعبدالله نتواند تعریف واضحی ازدوست و دشمن ارائه کند، در نیت و اراده ایکه هنگام انتخابات بروز داده است، شک وتردید ایجاد خواهدشد. وقتی اومیگویدکه دولت باید ازدوست ودشمن تعریف نماید، منظورش کی است؟ دولت کی است؟ وچه کسی این تعریف را ارائه نماید؟ به کنجی خزیدن ودر مقابل تمام اقدامات یکجانبه سکوت کردن، سزاوار مردی که ادعای خدمت به مردم را دارد، نیست ! Wake up, Wake up

محمد طاها کوشان — فریمونت ـ کالیفورنیا

اپوزیسیون یا اپوزیسیون ها

سخت گیری و تعصب خامی است — تا جنینی کارخون آشامی است

بازامشب فرصتی دست داد وپای برنامه پگاهی تلویزیون طلوع نیوز نشستم وبه گپهای تحلیلگراوضاع اجتماعی آقای داکترطوفان وزیری در باره چگونگی رویدادهای ولایت فراه؛ گوش دادم . یک نکتهٔ که زیاد ذهن واندیشه مرابه خودکشانیداینکه دوسه باردر لابلای گفتارش گفت اینکه مردم شمال فراه از حکومت وحدت ملی میخواهندکه یادر ازبین بردن طالبهابراستی دست بکار شوند و یااینکه بگذارند طالب ها در فراه حکومت کنند.

این گپی نیست که یخ وبن نداشته باشد، ازچندسالیست که پاکستان به امریکا تفهیم وتزریق نموده که باید کم ازکم دوسه ولایت افغانستان بدست آستینچه آی اس آی پاکستان یعنی اجیران و دشمنان اسلام و افغانستان، طالبها داده شود. دراین مورد اززمان کمپاین متقلب دغاباز اشرپ غنی احمدزی رئیس جمبور برآمده از تقلب به همکاری وپشتیبانی امریکا وعربستان سعودی؛ ازهمسویی و دلسوزی و دادوگرفت بین طالبان وحکومت افغانستان سخن راندودر آخرین بار نیز آنها را مخالفان سیاسی خویش شمرد.

نمیدانم فرق بین من وهمانندمن کسانیکه مخالف سیاسی ریاست جمهور اشرپ غنی خان احمدزی هستیم؛ ودشمنان دین اسلام زن وقانون اساسی افغانستان وپیشرفت وتمدن ودموکراسی ونوکران زرخرید آی اس آی پاکستان و القاعده یعنی طالب؛ چیست؟ آیا این مغزمتعفن هردو گروه را مخالفان سیاسی خویش می شمارد ؟ به به این خرد و اندیشه و گفتار از کسی که دعوی دکترا و مغز متفکر بودن را می نماید ! چه امید ؟؟؟

این پیمان شکن متقلب اشرپ غنی خان باوجود دغلبازی های گاوی و گوسفندی آشکارهنوزمفسدین کمسیون انتخابات را نه ازکار برکنار کرده و نه به دست قانون سپرده. وهنوز خاین و جانی ملی آقای جامدکرزی درپشت پرده درارگ دولت خداداد اوغانستان نشسته وهمه چیز را زیر نگین خویش دارد. از این حکومت وحدت مُلی چه امید و چه آرزو ؟

برپا نمودن اپوزیسیون به ویژه در این برهه از تاریخ مهین ما یکی از اولویت های ناگزیراست، چون می بینیم و می شنویم که کژی و چشم پوشیهای آشکار با بیشرمی وگستاخی آشکارهمانند برگزیدنهای ملحدین و مفسدین با یکه تازی روان است.

دشواری زیربنایی همبستگی وهمدیگر پذیری هم میهنان ما اول از بی خردی وبی دانشی بسیاری ماست. چون مامردم سخت بَه خویش می بالیم وازگذشته های بزرگان وفرهنگهای بی بنیادو بابنیادکه هیچ بر وبهره ازکشت وفرهنگ آنها برنداشته ایم؛ فریفته وفریب خورده هستیم. غزلی از صائب را باهم می خوانیم:

این ناکسان که فخر به اجداد میکنند — از رو به پشت نامه دلی شاد می کنند
بخل ازکرم بهست که بیحاصلان بخل — در هر جواب بنده ای آزاد می کنند
گل بسته است راه به سرگوشیی نسیم — این بلبلان خام چه فریاد می کنند
آینده را قیاس کن از حال خود ببین — کز رفتگان به خیرکه را یاد می کنند
درمکتبی که عشق ادیبست کودکان — مشق ستم به خامه فولاد می کنند
عشق مجاز ابجد عشق حقیقت است — در عالمی که اهل دل ارشاد می کنند
صائب جماعتی که سوارند بر سخن — در کوه قاف صید پری زاد می کنند

تا زمانیکه خرافه باوری ونیاز به دم و دعا واستخاره و دکانداری با قرءان ودین ومذهب را ترک نکنیم وبرای نیاز و استخاره و باور و پنداشت تنها و تنها به خدای بخشنده و شفادهنده راستین، و یگانه پرستی رو نیآوریم؛ ودانش وآگاهی خویشتن را ازعلوم پیشرفته روزبه روز نیافزاییم وپایبند به مسئولیتهای خویش دربرابرآینده خود و فرزندان خودنگردیم، به هدف وآرزو رسیدن خیالی بیش نخواهد بود . چون هنوزهیچیک ازمابه کسی تن نمی دهیم؛ همگی چهارسیره هستیم وهیچ کسی ازما هم پیدا نمیشودکه خرسند به همان نیم سیرخویش باشد؛ و آن یک سیره را نیز نمی پذیریم .

در سفتهٔ حضرت ابوالمعانی میرزاعبدالقادر بیدل (رح)را می خوانیم:

زین ماومن که داریم آفاق درخروشست — ایکاش سرمه گردیم تااین صدا نشیند

شمادریک کار نیک وخوب با همه گپ بزنید، همه ستایش میکنند. اماآن گاهی که بخواهید وبگویید که آقا شما پیش قدم شوید وما از پی شمامی آییم؛ هزارویک بهانه پیش میکنیم. بازکه شما بگویید که من پیش میشوم وشماها درپی من شوید؛ می بینیم ومی شنویم :که این کلانکار اوقی خودخواه وجاه طلب و فلان فلان است.

تاریخ یک سده گذشته نشان میدهدکه اپوزیسیون ها قدبرافراشته و حتی هم زمان چندین اپوزیسیون با باورها وراه و روشهای گوناگون دربرابر حکومت ها ایستادند. گاهی هم شده که چندین اپوزیسیون باهم یکجا شده ودر برابر کارکردها وکنشهای حکومت ایستاده وآنرازیر ذره بین خویش گرفته اند.

هرگاهیکه ماکردن یک کارنیک واندیشه میمون وخجسته راآرزو داریم، با باوراستواربه دین وآیین؛ پشت کسی بایدنگردیم. گام بگذاریم وکارکنیم وپیش برویم و به همدیگر خویش بیآموزانیم که باباجان این راه و روش سخت نیکو و پسندیده و زیباست از برای آینده ما و بچه های ما و نواسه ها و کواسه های ما.

طلبت گر درست باشد و راست — هم به اول قدم مراد تراست

حضرت سنائی غزنوی خراسانی (رح)

آرزو و ارادهٔ استوار برای هرکارنیک، ستوده و میمون است؛ ولی بایسته آن است تا همدیگرپذیر و پشت و پناه یک دیگر باشیم. یکه تازی و خود راعقل کل و ناف زمین دانستن و درهر درآمدی از کنکاش وسگالش همه ما اراده می کنیم میگوییم ومی نویسیم ومی پردازیم. به ویژه دراین دورزمان هریک گپ وکردار ورفتارمارانوجوانان و جوانان سخت پیگیری نموده و درهر کنج و کنار ذره بین دردست آواز وتصویر برداری مینمایند . اگرهرگفته ونوشتهٔ مابی بنیادو واهی وبدون دریافت ودرک و آگاهی ما ازین وریشه آن چیزی که درباره آن میخواهیم بپردازیم؛ باشد،دیگرکسی پیمان وپیشنهادمارابا‌ورنکرده ونمی پذیرد!

از دفتر سوم مثنوی شریف مولانا جلال الدین محمد بلخی(رح) میخوانیم :

هوش را بگذار وآنگه هوش دار — گوش را بربند و انگه گوش دار
نه نگویم زانک خامی تو هنوز — در بهاری تو ، ندیدستی تموز
این جهان همچون درختست ای کرام — ما برو چون میوه های نیم خام
سخت گیرد خام ها مر شاخ را — زآن که در خامی نشاید کاخ را

(دنباله درصفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم مى كند :

داکترعزیزغوثی : تاریخ افغانستان از۱۹۱۹ تا۱۹۳۳

با سرنوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینهٔ پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

Omaid Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com
ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

عبدالودود ظفری — المیدا ـ کالیفورنیا

ما چه به دست آوردیم ؟

جنگ سری امریکادرافغانستان ۱۹۷۹ـ۱۹۸۹ (بخش چهارم)

مجاهدین افغان، مسعود ، حقانی :

مجاهدین به کمک امریکا، پاکستان، عربستان ودیگران، اتحاد شوروی را شکست دادند. تمام جنگ راخودشان پیش بردند، تلفات زیاددیدند. مجاهدین و مردم ملکی حامیان شان قیمت بزرگ پرداختند، حداقل یک ملیون کشته شدند وشمارزیادی زخم برداشتند. حاصل قربانیهابرای مجاهدین خیلی اندک بود.جای بسیارتأسف است که مردم افغانستان کمک کردند قسمتهای زیاد دنیا رابه آزادی برسانند، ولی خودشان سالهاپس ازشکست دادن فرقهٔ چهلم قشون سرخ ، به آن دست یافتند. درجهادمردم افغانستان دوچیزبسیارعمده وجود داشت:اسلام ملی گرایی راتغذیه کردو ملی گرایی افغانی اسلام گرایی راتقویت نمود.

مجاهدین عمدتاً یک اردوی بیسواد دهاتی بودند، یک سیستم ملی قومانده، کنترول ورهبری سیاسی نداشتند. موفقترین فرمانده مجاهدین احمدشاه مسعود بود که پاکستان اورا دراکثرمدت جهاد درانزوا قرارداده بود. سازمان سیا تماس مستقیم اندک با مجاهدین داشت، همه چیزازطریق پاکستان صورت میگرفت .

مجاهدین عموماً درجنگ وگریزبودند. درمقابل حملات قشون سرخ متواری میشدند وهیچگاه به حملات انتحاری متوسل نشدند، که در دههٔ هشتاددرجنگ های لبنان وجودداشت. حملات انتحاری راناسازگاربه طرزجنگ خودمیپنداشتند طرفداربرخوردهای گروههای کوچک بودندوبه حملات ناگهانی می پرداختند چنانکه پدران شان هنگام مقابله باارتش برتانیه بکارمی بردند. مجاهدین به خطوط قومی تقسیم شده بودند، باوجودیکه احصائیه نفوس وجودندارد،(کتاب حقایق جهان) سازمان سیای امریکا پشتونهارا درحدود۴۲٪، تاجیک وایماق هارا ۳۰٪، هزاره را۹٪، ازبیکهارا۹٪، ترکمن هارا۴٪ وبلوچ هارا ۲٪ تخمین میکند.

پیچیدگی حرکت مجاهدین که مرکزواحد نداشتند، ازیکسوبرای شوروی هامشکل بودباآنها مذاکره کند، ازسوی دیگرتعدد مراکز قدرت، مجاهدین را آسانتر زیرنفوذ خارجیها قرارمیداد. ایران و پاکستان ازگروههای خاص حمایت میکردند، ایران روابط نزدیک با تنظیم هاوگروههای شیعه مذهب، وپاکستان باگروههاوتنظیم های سنی مذهب پشتون تماس نزدیک داشتند. مجاهدین سنی که در پاکستان قرارگاه داشتند، به هفت گروه(تنظیم) تقسیم شده بودند، رهبران شان برجریان جهاد کنترول نیم بندداشتند. تنظیمهای اسلام گرا، خواهان برقراری یک حکومت اسلامی، وگروههای سنتی طرفدار عودت رژیم شاهی بودند. رهبران تنظیمهای جهادی بیشتر جنگسالاربودند تاسیاستمدار.

درتنظیمهای اسلامگرا عناصررادیکال ومعتدل وجودداشت، افراطی ترین تنظیم حزب اسلامی به رهبری گلبدین بود که طرف حمایت دستگاه استخبارات نظامی پاکستان قرارداشت وکمکهای زیادی رابه دست می آورد. رهبرجمعیت اسلامی برهان الدین ربانی بود، ساحات قدرتش مناطق تاجیک نشین شمال افغانستان بود. تنظیم سوم اسلامگرا بنام اتحاداسلامی برای آزادی، تحت قیادت عبدالرسول سیاف بود. تنظیم چارم بنام حزب اسلامی بودورهبری آنرا مولوی یونس خالص بدوش داشت، که ازحزب اسلامی گلبدین جدا شده بودواز حمایت عربستان سعودی برخورداربود، زیرا نظریاتش با وهابی هانزدیکتر بود. کلانترین حزب(تنظیم) سنتی میانه رو، محاذ ملی به سرکردگی سیداحمد گیلانی، یک تاجرمتمول کابل بود که ادعامینماید به چندین نسل به حضرت محمد(ص) پیامبراسلام میرسد، طرفداربرگشت ظاهرشاه بود. یک سلطنت خواه دیگر صبغت الله مجددی بود که جبههٔ نجات رارهبری میکرد. یک حزب دیگربنام حرکت انقلاب اسلامی برهبری مولوی محمدنبی وجود داشت. احزاب میانه رو درمقایسه بااحزاب تندرو وافراطی، جنگ جویان کمترراجذب نموده بودند، وازکمکهای سی آی ای وآی اس آی سهم اندک داشتند. چون این احزاب خیلی ضعیف بودند، رهبران شان اکثراً بخاطراحرازموقف در حکومتهای پس از رژیم کمونیستی بادیگران سازش می نمودند.

مجاهدین ضعف وناتوانی هاداشتند، مجاهدین عادی، افغانهای خیلی دلیربودند، ازخرابکاری متنفربودند، زیراخرابکاری رانامردی وپستی می شمردند. چنانچه آی اس آی برمجاهدین فشارآوردتاتونل سالنگ رامنفجرگردانند وراه اکمالات وانتقالات نظامی شوروی را قطع بدارند، ولی مجاهدین به این فشار تن ندادند.

درینجابه دونفررهبر بسیارموفق مجاهدین، احمدشاه مسعود ومولوی جلال الدین حقانی بیشترتوجه میگردد، که تجربیات شان درپیروزی مجاهدین دردو منطقهٔ محوری، پنجشیر درشمال کابل وپکتیاوخوست درجنوب کابل بسیاربا اهمیت بود. شورویهاتلاش کردندبخاطر به پیروزی رساندن حزب دموکراتیک خلق، هردومنطقه رازیرکنترول خود درآورد، وقتاکه شورویها دربرنامهٔ خود ناکام شدند، نتیجهٔ جنگ بیشتربر ملاگردید. درپایان جنگ، قوای تاجیک احمد شاه مسعود ساحات زیادشمال بشمول پنجشیر وسالنگ، راه اکمالات فرقهٔ چهلم شوروی رادراختیارداشت. مسعود کمک خیلی اندک از پاکستان وامریکابدست می آورد، وبیشتربالای خودوتااندازهٔ بر کمک برتانیه استواربود. قوای پشتون جلال الدین حقانی که در حوالی خط دیورندمی جنگید، گروه مجاهدین خود را در دههٔ هشتاد درارتباط نزدیک با پاکستان بنا نهاده وتاکنون همان ارتباط با پاکستان ادامه دارد .

احمدشاه مسعود :

به قول احمدشاه مسعود، فرزندیک افسراردوی افغانستان، حملهٔ اسرائیل بر مصرکه آغازگرجنگ عرب واسرائیل درماه جون۱۹۶۷ بود، بروی تأثیرزیاد وارد نموده بود. درآنزمان وی۱۴سال داشت که اخبارجنگ را بدقت تعقیب نمود، وشش شب وروزبرنامهٔ فارسی رادیوی بی بی سی راشنید، به اخبارمیدان های جنگ سینا، کرانهٔ غربی، بلندیهای گولان وبیت المقدس گوش داد. جنگ ۶روزهٔ عرب واسرائیل اولین مبارزهٔ نظامی بودکه مسعوددنبال نمود، و دلچسپی اورابه امورنظامی برانگیخت. مسعوددرمکتب به همصنفان خوددربارهٔ جنگ و اینکه چرااسرائیل بصورت دراماتیک بردشمنان مسلمان خودپیروزشد، معلومات میداد. سالها پس ازآن، مسعودبه یک زندگینامه نویس بیان داشت که جنگ ۱۹۶۷ نه تنهااورامصمم ساخت که یک سربازباشد، بلکه اورا به ملیگرایی اسلامی آشناگردانید. احمدشاه مسعود بعدازآن خودرایک پنجشیری، یک تاجیک ویک افغان نمی پنداشت، خودرامتعلق به یک مبارزهٔ وسیع اسلامی در برابردشمنان اسلام میدانست. مسعودبه زندگینامه نویس خود اظهار کردکه تجربهٔ سربازان اردنی که در دفاع ازبیت المقدس می جنگیدند وجنگجویان مصری ورزمندگان سوریایی که ازاوطان شان دفاع میکردند، براوتأثیرعمیق گذاشت.

مسعود درچهارسال بعد دریک مکتب که توسط فرانسوی هااداره میشد(لیسهٔ استقلال)دروس خودرادر کابل ادامه داد، زبان فرانسه رابصورت روان فراگرفت وکارهای مارشال دوگول راستایش میکرد. درسال ۱۹۷۲وارد دانشگاه پولی تخنیک شدودرعین زمان عضویت حرکت جوانان مسلمان راحاصل نمود .

کودتای محمدداوودعلیه ظاهرشاه درجولای۱۹۷۳ زندگی احمد شاه مسعود را دگرگون نمود. رژیم داوودخان درآغازطرفدارشوروی بود، وعمیقاًحزب دموکراتیک خلق افغانستان برآن نفوذداشت. مسعودوهمفکرانش خودرا مخفی ساختندتا ازندانی شدن نجات یابند. درسال۱۹۷۴جوانان مسلمان ضدرژیم محمد داوود به کودتا دست زدند وناکام شدند .

(دنباله درصفحهٔ ششم)

داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ — سندیاگو ـ کالیفورنیا

وهابیت، مذهب رسمی سعودی در گذرگاه تاریخ

افراط گرایان ! دین رادرتضاد باواقعیتهای جهان دانش قرارداده ومذهب رابا عقاید عقب گرایانه توام نموده اند. توسل به خشونت، تعصبات مذهبی، قومی ونژادی جامعه مارابه عقب ماندگی کشیده و امروزامت اسلامی ازنارسائی، کج اندیشی، پرخاشگری واستبداد رنج میبردواین افراط گرایان زیرپوشش دین ومذهب مرتکب جنایات خیلی خطرناکی شده اندکه نه به اسلام ونه به انسان ارزشی قایل استندواحترام متقابله که بین عیسویت وجهان اسلام ازهزاروچند سال به اینطرف موجود بود، توسط عمل تروریستی یازده سپتمبر برهم زدند .

سربریدند، انتحارکردند، سنگسارنمودند، به آتش کشیدند وبه حرمت زنان مسلمان تجاوزکردند، کلیسا رابه آتش کشیدند، به مساجدحمله ومسلمین بیگناه را در وقت نمازبه رگبار ومسلسل بستند، حتی بمب را بین قرآن گذاشتند ودر روز عید قربان در داخل مسجد درولایت لوگر انفجاردادندوبنام اسلام باعث قتل صدها هزارمسلمین بیگناه درجهان شدند، این جنایات نابخشودنی درافغانستان، پاکستان، عراق، سوریه واخیراً درمصرتا امروزادامه دارد. این روشهای خشونت آمیزغیراسلامی وغیر انسانی توسط طالبان القاعده وگروپ نوبنیادتروریستی دیگرموسوم به داعش که ازجانب کشورهای خارجی ویک الی دوکشورعربی حمایه میشوند بالای مردم بی دفاع اعمال میشود .

این مضمون فشرده سه مقاله ایست که توسط این جانب راجع به پس منظر تاریخی فرقه وهابی درهفته نامه امید وهمچنان به یک تعداد رسانه های انترنتی وبسایت (یاتارنگار) که درداخل افغانستان کشورهای اروپایی درمسایل اجتماعی، اقتصادی وسیاسی افغانستان نشرات دارندچاپ شده واین مقاله هاهنوزهم درآرشیف رسانه های انترنتی خاوران، آریایی، خراسان زمین، گفتمان، خورشید وطندار، کوفی شاید موجودباشد، واگرکسی بامن اتحادنظرنداشته باشدبرای معلومات مزید بطور مستقیم میتوانند ازموآخذ نویسندگان مشهور اسلام که در صفحه جهانی گوگل مضامین آنها درزبان های فارسیِ عربی وانگلیسی درج است مراجعه کنند .

از پیدایش فرقه وهابی به حیث مذهب رسمی سعودی یکصدو پنجاه سال نمیگذرد.این فرقه به اسلام بکلی یک تعریف جدید ارائه کرده ومسلمین را به خصوص جوانان مارا به تردید وناباوری به اسلام و مذهب شان قرارداده است. این فرقه خودرا مسلمان واقعی ولی پیروان سنی، شیعه ومذاهب دیگررا مشرک قلمداد میکنند .اسلام را درجهان بحیث یک دین خشن و بیرحم معرفی نموده که مخالف همه ارزشهای ناب اسلامی است ودین اسلام توسط این فرقه دین کشتار، دین سربریدن وبرضددانش وتحصیل است، درست همان روش بدوی قبل از اسلام که در شبه جزیره عربستان حکمفرما بود امروز توسط فرقه وهابی احیا شده، فرقه وهابیت یک گروه تکفیری است که با عقاید ناب همه مسلمین مبارزه میکند .

دردناکترین کاری که وهابیت مرتکب شدآتش زدن کتابخانه بزرگ المکتبه العربیه به بهانه وجود کفریات بود - دراین کتاب خانه بیش از ۶۰ هزارکتب کم نظیر وبیش از ۴۰ هزار نسخه خطی منحصربه فرد وجود داشت، درمیان آنها برخی ازآثارخطی دوران جاهلیت وقراردادیهودیان باکفارقریش برضد حضرت رسول اکرم وجود داشت، مراسلات وآثارخطی خلفای راشدین و برخی از صحابه پیامبرگرامی اسلام نگهداری میشدومزیدبرآن درهمین کتابخانه انواع سلاحهای کفارمکه که در زمان حضرت رسول اکرم برضدمسلمین بکار رفته بود بطورنمونه جمع آوری وحتی یکتعداد از بت های که قبل ازظهوراسلام موردپرستش بودبحیث شواهدتاریخی گذاشته شده بود مانند بت های لات، عزی وهبل وجودداشت، که هنگام تسلط وهابیان درحجاز به بهانه کفریات این کتابخانه بزرگ به آتش کشیده شد وقبورشهدای بدر، بارگاه ائمه بقیع تخریب گنبدامام حسین، حمله برنجف، کشتارحجاج بیدفاع یمنی ومرقدمطهرفاطمه بنت اسد مادرامیرمومنان راازبین بردند،این افراطیهابه یزیدقاتل حضرت امام حسین (حضرت یزید (رض)) خطاب میکنند و او را خلیفه هفتم اسلام میشناسند .

همفر که یک جاسوس انگلیس درعربستان بود پس از باز گشت از جنگهای خونین دولت عثمانی با اعراب شبه جزیره عربستان، در کتاب خود بطورافتخار آمیزاین جمله معروف را نوشت که:(من با اتحاد دومحمد(محمد ابن عبدالوهاب ومحمد ابن سعود، جدخاندان ابن سعود) دین حضرت محمد راویران کرده ام .

محمدابن عبدالوهاب ازناحیه نجد برضدترکان عثمانی که شبه جزیره عربستان را تحت کنترول داشت قیام مسلحانه نمودوتعداد زیادمسلمین ترک عثمانی را از تیغ گذرانید وانگلیس که درآنزمان رقیب سرسخت ترکان عثمانی بود وعثمانی ها ازنگاه نظامی تا اطریش پیشرفت کرده بودند، اروپا رابه تشویش انداخت و کشور استعماری انگلیس که زعامت سیاسی خودراباپیشروی ترکان عثمانی به خطر دید، قیام محمد ابن عبدالوها ب را بر ضد ترکان عثمانی در شبه جزیره عربستان توسط حمایه پولی وفرستادن جاسوسان انگلیسی کمک نمود .

انگلیسها بااین هدف ترکان را درجنگ باعربهامصروف ساخت تاجلو پیشرفت ترکان عثمانی رادراروپا مهارکند، دراثرجنگهای شدید قبایل عرب شبه جزیره عربستان، ترکان عثمانی ازعربستان عقب نشینی کردند واز نگاه سیاسی ترکان ضعیف شدند، بعد برای بدست آوردن قدرت بیشترسیاسی، محمدابن عبدالوهاب باقبایل دیگر اعراب درجنگهای شدیدمصروف شدتااینکه محمدابن سعود سر سلسله خاندان سعودی به یاری محمدابن عبد الوهاب ویارانش شتافت وقبایل متمرد رامغلوب نمود ومحمدابن عبدالوهاب باخاندان با نفوذ ابن سعود اتحاد نمود ودخترخودرا به ازدواج بیکی ازشاهان ابن سعود درآوردو وهابیت بحیث مذهب رسمی عربستان شناخته شد. محمدبن عبدالوهاب فتوا صادر کرد که هر قبیلهٔ که ازقیادت پادشاه سعودی سرکشی کند، بغاوت درمقابل اسلام است وباغی کافراست وباید ازبین برده شود.وبه این ترتیب خاندان ابن سعودی سلطنت سعودی رادرشبه جزیره عربستان تاسیس نمودوذخیره سرشارنفت در شبه جزیره توسط انگلیسها کشف وامتیازاستخراج نفت باعقدیک قرارداد دو جانبه که انگلیس سلطنت خاندان ابن سعود رادرمقابل صدور نفت درانگلستان از حمله برعربستان حمایه کلی خواهد نمود، به امضا رسید که این قرار داد تا امروز پابر جا است .

درآمد سالانه نفت امروز سعودی ها تقریباً به دوصد وپنجاه الی سه صدبلیون دالرمیرسد، نفوس سعودی۲۶ ملیون است که ازآنجمله تنها ۱۶ ملیون تبعه سعودی است ومتباقی ده ملیون دیگر به حیث خارجی خدمات اجتماعی، اقتصادی رابرای کشورسعودی انجام می دهند. تبعه سعودی بایک تجمل غیرقابل تخیل زندگی میکند درحالیکه قسمت اعظم مسلمین به گرسنگی وبی سوادی بسر میبرند .

طبق آماربانک جهانی عوایدعربستان تنها وتنها از درک زیارت کعبه شریفه وحج عمره که زایران مسلمان جهان درطول یک سال در عربستان به مصرف میرسانند بالغ بر ۶۲بلیون و ۲۰۸ملیون دالر بود واگرخاندان ابن سعود خودرا پیشوای مسلمین جهان خطاب میکنند عاید ۶۲بلیون دالرحق کشورهای مسلمین جهان وبخصوص کشورهای غریب ونادار است که بایستی این پول ها دوباره به حیث کمکهای اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی دراین کشورهادوباره توزیع شود . در افغانستان جامعهَ جهانی ده ها بلیون دالر کمک نمود (دنباله در ص ۶)

داکتر فرید یونس — کانکورد ـ کالیفورنیا

منطق نماز چیست؟

عنوان بالا ازسئوال یک برادرعزیزوگرامی ام که در فیسبوک از من پرسیده اند، گرفته شده است. چون این عزیزمن ازکلمهٔ (منطق)کار گرفته است وسؤال خود را مطرح کرده است ، پس لازم میدانم که در رابطه به این موضوع ازیک زاویهٔ دیگر ومنطق دیگر دین شناسی جواب گویم زیرا مسلمانان همه حکمت نماز رادر اسلام از دید آیات متعدد قرآن مجید و احادیث ثقهٔ پیشوای اسلام (ص) می دانندکه نمازفرض است، یعنی بالای کسی که اسلام را دین خود انتخاب کرده است. نماز گناهان را پاک میکند و تسلیمی مطلق به ذات اقدس الهی است و اجر وحسنات زیاد در دنیا و آخرت دارد که در متون دینی ما مفصل گزارش یافته است

انسان ازنگاه منطق علمی دین شناسی در سه رابطه زندگی میکند و با همین سه رابطه نه تنهاخود رامی شناسد بلکه از نگاه اجتماعی عرض وجود میکند. این سه رابطه عبارت اند از Psycho-ethics, Socio-ethics وTheo-ethics می باشد

سایکو-ایتکس رابطهٔ شخص باخودش است. پیشوای اسلام فرموده (هرکی خود راشناخت، خدا راشناخته است) . بزرگترین بحث اساسا همین منطق خودشناسی است. ازکجا آمده ایم؟ به کجا میرویم؟ هدف اززندگی ماچیست؟ چرا میمیریم؟ با سایکو-ایتکس انسان خود را پیدا میکند. منحیث یک موجود آزاد برای خود تصمیم میگیرد. زندگی، موجویت او درین جهان بیکران، و تاریخ برایش مفهوم پیدامیکند. خودرامحور قرارمیدهد واز تجارب تلخ وشیرین زندگی می آموزد ودید وبینش خودرامیسازد. نماز یکی از راه های خودشناسی است زیرانقطهٔ وصل راپیدا کردن است. داستان حضرت ابراهیم (ع) هزاران سال قبل ازمحمد (ص) که از خود مکرر سؤال میکندوستاره ومهتاب وآفتاب را درشروع خودشناسی، خدا میشمارد و بالاخره به نتیجه میرسد که این ها همه توسط یک ذات خلق شده است و اداره می شود و او منحیث یک انسان جزء همین خلقت است. ابراهیم (ع) به سجده میرود و سجده درنماز(عبادت خداوند) رکن اساسی راتشکیل میدهد وشکل سمبولیک سجده به خاک نشان میدهد که انسان از خاک زاده شده و دوباره خاک میشود. و خالقی است که همه ازنزد اوآمده اند وبه او برمیگردند (اناالله و انا الیه راجعون). با نماز و سجده انسان خودش راپیدا میکندوخود را از آن او میداند و از حالت سر در گمی ، بی ثباتی فکری، بی هدفی و تشویش خارج میشود وبا گفتن لا اله الاالله همه هستی برایش معنی وحقیقت پیدا میکند چنانچه دردیوان شمس از مولینا میخوانیم :

از ذکر بسی نور نزاید مه را — در راه حقیقت آورد گمره را
هرصبح نماز وشام ورد خود ساز — این گفتن لااله الاالله را

سوسیو-ایتکس رابطهٔ شخص با اجتماع است زیرا انسان یک موجود اجتماعی است. ازآنجائیکه نماز انسان را نظر به نص قرآن از بدی ها پاک میسازد پس به انسان منحیث یک موجود اجتماعی تجلی اخلقی میدهد زیرا انسان که هدف اساسی نماز را دانسته است او همیشه از اخلق انسانی کار میگیرد. و سخن سؤال کنندهٔ گرامی که (اکثریت نمازگزاران مردمان نامطلوب هستند و هستند مردمانی که نماز ادا نه میکنند اما مردمان شریف هستند)؛ برای این است که نماز گزاران به شکل اساسی معنی و مفهوم نماز را ندانسته اند ، فقط آموخته اندکه باید نماز اداکنندواینکه نمازنتوانسته خلق شانرا تغییردهد برای این است که این اشخاص بااینکه نمازگزارهستند، به شکل توحیدی نمی اندیشند و تفکرتوحیدی ندارند. یعنی قبل از اقامه نماز دانستن توحید امر ضروری است که چراماباید نماز بخوانیم. اکثریت امروز نماز میخوانند برای اینکه فرض است و اما این که برایش فرض شده است چه مسئولیت های بزرگ دارد .

نمازگزار درقبال نماز بیخبر است.به عبارت دیگر همین منطق نماز او را مسئول میسازدتابه دیگر اموربه شکل توحیدی رسیدگی کند. مدنیت اسلام ، در گذشته گفتیم به اساس سه (ع) استوار است یعنی علم ، عبادت و عدالت . اکثراین مردم چون هدف نماز راندانسته اند، به اساس علم و عبادت راستین خداوندوعدالت اجتماعی زندگی ندارند. همچنان دین اسلام درزندگانی روزمره به اساس سه (ع) دیگراستواراست یعنی عقل، عقیده وعمل که جمله شش (ع) میشود.

پیر طریقت خواجه عبدالله انصاری چه قشنگ گفته است (الهی آنرا که عقل دادی چه ندادی و آنراکه عقل ندادی چه دادی؟) این تفکر توحیدی است که انسان را به اعلی علیین میرساند وشاید پیاده کردن تفکرتوحیدی چه درسطح فردی وچه خانوادگی وچه کشوری چالش بزرگ است و دلیل اینکه نماز گزار قادر نیست که افکارتوحیدی را درعمل پیاده کند،به نظر ما نه خود را شناخته است و نه خدا را و نتیجه اینکه چون اعمالش غیرتوحیدی است یعنی با منطق نماز که ادا میکند مطابقت ندارد ، او رابه اسفل سافلین کشانده است و به گفتهٔ برادرگرامی ام (نامطلوب)ساخته است. همه بدبختی های که ما با آن سردچار هستیم مانندشخصیت پرستی، مادی پرستی ومصرف گرائی و اسراف و سود خوری؛ قومپرستی ورواج پوسیدهٔ قبایلی بدل وپامال کردن حقوق دوشیزگان؛ ملیت گرائی (ناسیونالیزم) ، مذهب پرستی و غلوگرائی در مذهب، نژاد پرستی، خرافه پرستی، خارجی پرستی بجای خداپرستی، (ایزم پرستی)مانند کاپیتالیسم وصهیونیسم وکمونیسم، فاشیسم وغیره ایسم ها که همه مغایر فطرت انسانی است زیرا آزادی انسان را سلب می کند ؛ کنترل عقل و فکر مردم به نام حزب سیاسی و بالاخره به نام دین، تحمیل دین بالی مردم به فشار و زور و ناسزاگفتن مردم برای اینکه تبلیغات دینی شانرا قبول ندارند در حالیکه دین یک موضوع اختیاریست؛ منازعات خانوادگی و لت و کوب زنان ، تهمت و توهین وفحش گفتن که خلاف کرامت انسانی است ؛ غیبت وسخن چینی که خلاف اخلاق اسلامی است؛ بی احترامی به عقاید مردم، بی احترامی به بزرگان خانواده واهل علم ومعرفت، زن ستیزی و زنان را ازصحنهٔ سیاسی واجتماعی حتی مسجدخدا کنار زدن؛ بی تفاوتی وبی محبتی درمقابل کودکان، تقلیدهای کور کورانه که مولینا چه زیبا گفته: خلق راتقلید شان بر باد داد —ای دوصدلعنت براین تقلید باد

خودنمائی و کبر و غرور ، دفاع ازناحق، توجیهات نادرست وفاسدسیاسی و اجتماعی، پشتیبانی و همکاری با مردم فاسد و نمایندهٔ اجنبی وفروخته شده و متقلب بخاطرپول وقدرت، مردم مسلمان را به کفرگرفتن، اهل کتاب را کافر گفتن، تملق وچاپلوسی، عقده و کینه وحسادت، همچشمی ها ، همه وهمه از عدم دانش وتفکرتوحیدی است که نمازدرعمل راه حل آن است نه بی نمازی .

بزرگترین منطق نماز رد شرک است که در هر سجده انسان برعلیه شرک قیام و مبارزه میکند. زیرا شرک و کفر تنها انکار خداوند نیست ،بلکه تاییدبه کفر و شرک توازن وتعادل جهان هستی را برهم میزند وجهان را برای آدمیزاد و محیط زیست او فاسد میسازد. منطق علمی نماز ازنگاه علمی ویاساینس ، رابطهٔ انسان با نظام خلقت از دید روانی و روحی است و این مطلب علمی را ما در نظام شمسی و چرخش زمین می بینیم که نماز در اوقات فرض شده که زمین در مدار خود برای تعیین زمان یعنی شب و روز حرکت میکند. قرآن میگوید : اقم الصلوه لدلوک الشمس الی غسق الیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجرمشهودا (سورهٔ اسراء آیهٔ ۷۸)، همچنان در سورهٔ نساء آیهٔ ۱۰۳ میخوانیم: ان الصلوهٔ کانت علی المومنین کتباً موقوتا . در سوره اسراء می بینیم که نماز در اوقات قبل ازطلوع آفتاب ونیم روز(خط استوا) وقبل ازغروب وشب است ودرسورهٔ نساء از اوقات معین یاد می کند .

(دنباله در صفحهٔ ششم)

نظری به انتشارات تازه

پروفیسر داکتر لطیفی

عنوان کتاب : خلیلی شاعر افغان و ایران
نگارنده : داکترمحمد سیاسی

دوهفته قبل، پس از آنکه نمازجمعه را درمسجدمبارک مصطفی(ص) درشهر انندل ورجینیا اداکردیم، دوست عزیزم آقای کوشان، دو جلد کتاب راکه سال پار توسط نویسندهٔ کتابها جناب داکترمحمد سیاسی در دیداری درورجینیا به ایشان اهداشده بود، به من دادند تاطبق معمول برای معرفی درهفته نامهٔ امید، مطالعه کنم . کتاب اول باعنوان(خلیلی شاعرافغان وایران) وکتاب دوم باعنوان (سرود زنده رود) هردوبه قلم شاعر ونویسندهٔ توانای کشوربرادرما ایران، نگاشته شده است. درکتاب نخست، نگارندهٔ عزیزداکترسیاسی، لختی از تاریخ افغانستان راباعنوان (افغانستان دریک نگاه) رانگاشته وسپس شرحی اززندگینامهٔ شادروان استادخلیل الله خلیلی، بزرگمرد دنیای ادب فارسی دری، راباستفاده ازمآخذ زیادی به قلم آورده، و از مراتب ارادت ومحبتی که بااستادخلیلی مرحوم داشته، خاطراتی راذکر کرده است.

شادروان استادخلیل الله خلیلی

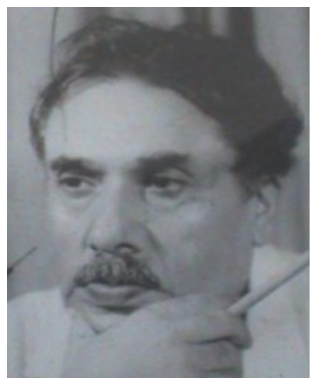

جناب داکتر محمّد سیاسی

(خلیلی شاعرافغان وایران) در۲۱۸صفحه باکاغذاعلا وقطع وزیری، درسال ۱۳۸۹خورشیدی توسط بنیاد موقوفات دکترمحمود افشار، در ایران به چاپ رسیده است.

شاعرگرامی جناب داکترسیاسی، تقاریظی رابردیوان استادخلیلی، که سالها پیش به همت امیدوارهروی درایران انتشاریافت، آورده، که نمونه هایی ازآن چنین است: زنده یاد سرورگویا اعتمادی ازخاندان عبدالقدوس خان اعتماد الدوله، که ازرجال ادب وسیاست افغانستان و ازنزدیک ترین دوستان خلیل الله خلیلی است میگوید :(مرا ازسالیان دراز باوی دلبستگی ویک جهتی است، و عمری بااو بسربرده ام، در زندگانی او مدهاوجزر هادیده ام واین چند کلمه قطره ای ازآن دریای عشق وذوق و اخگری ازآن کانون فروزان وخرمن آتش است... شاعر باوصف آلام زمانه، طبعی بس لطیف ونشاط انگیزدارد، کمترمی توان اورا غیرمتبسم وگرفته خاطر دید، طبعش به رطوبت مایل است، محضراو بسیارگرم وپرشور، لطایف وحاضرجوابی های اوهمواره مایهٔ نشاط دوستان و مسرت یاران است وهمه ازشوخیهای بجاومناسب وموزون وی خاطرات شیرین وفراموش ناپذیردارند و اکثرلطایف اونقل محافل یاران ومجالس احباب ذوق است...)

دانشمندفقیدافغانی استادصلاح الدین سلجوقی مینویسد: (...من به کابل آمدم وبه سراغ بازماندگان مرحوم مستوفی شدم وشنیدم که دربین عائله مرحومی پسری ازوی باقی مانده است، که به جرم نا کردهٔ پدر به گوشه ای محصور و متواری است ومن خود رابه آقای خلیل الله که اکنون استاد ماست رساندم. جوان مراهق(= نوجوان نزدیک به بلوغ) میانه قد و مانند پدر سیه چرده ای را دیدم که بیشترازحنان (= رحمت، بخشایش، مهربانی) مادر وعطف پدر، عطش دانش وآموزش دارد. دیدم میل مفرطی به ادب وعلم نحو و محاضرات عرب دارد، وتااندازه ای دراین باره کوشش نموده، امادوری از آموزگار وکمی وسایل وکتب درسی، اورا پریشان میدارد، وبااین همه همت عالی وشجاعت اخلاقی که دارد وازادیهای عالی عرب مانند قصاید معلقت وشعرای بزرگ جاهلی واسلامی عرب دم میزند ومن نسبت به خلیل الله مسرورتر بودم ازاینکه میتوانستم به تشنهٔ علم وادب کتابی برسانم ویاسطری بنویسم ویا حرفی بخوانم. اوخیلی مستعد وسریع الفهم بود، وازخلال کلام اوباوجود لکنت زبان وکمی سن، کلماتی شنیده میشد که درحقیقت خشتهای تَه پایهٔ ادب امروز است... خلیلی شاعری است که به او می نازم وگمان نمی کنم به عصرها مانند اوشاعری به وجودآید.)

استادعبدالرحمن پژواک ازمردان ادب وسیاست وشاعرونویسندهٔ افغانی در موردشعر استادخلیلی چنین مینویسد: (تأسی وی از گویندگان باستان، دلیل احترام وی به مقام سخن درگذشتهٔ پرافتخار کشوری است که گهوارهٔ شعرای بزرگ زبان دری بوده ودرزندگی ابدی خود درآغوش آن خفته اند. خلیلی با این نام ونشان دست سخن رادر دوره ای گرفت که زمان فترشعروادب دری در افغانستان بود. این دوره هنوزدوام دارد، اگرکسانی درراه احیای شعرجهد کرده و کام یافته اند، به یادروزگاربماند، خلیلی هرگزفراموش نخواهد شد...)

دکترلطفعلی صورتگر، استادشعروادب ایران درتقریظ بردیوان خلیلی می نویسد:(..دیوانش مشحون ازابیاتی است که لطف و طراوت نسیم بهاری ونازکی ورقت عواطف دوشیزگان تازه به شوهر رفته را به یادمی آورد وبادل آدمی راز نیازهای گرم ودوستانه دارد. اشعارش مانند ابیات جلال الدین محمد دل رابه رقص می آورد ومانندسنایی بااحساسات آدمی انس وآمیزش دلپذیردارد. تازگی وجوانی از ابیاتش می چکدو کلماتی که دراختیاردارد، به چالاکی اسپان تیزتک، پهنهٔ معانی را درمی نوردد. اشعارخلیلی در عین آنکه ازحیث استحکام وسلامت بدون هیچگونه نقص است، از نعمت فصاحت بهره ای به کمال دارد و به ماکه باسرزمین افغانستان رابطه ای دیرین داریم، ازدیار آشنا پیغام آشنایی می آوردومارابه کلبهٔ منزهٔ پغمان وکوه بلند خیبر وچمن های خرم وسرسبزآن اقلیم راهبری می کند...)

استادبدیع الزمان فروزانفرنیزدرهمان دیوان چنین مینگارد: (استاد خلیلی یکی ازسخنسرایان ودانشمندان عصرحاضراست وبی گمان وی رامیتوان درعداد شعرای سخندان وسحرکار این روزگارمحسوب داشت. استادی وچیره زبانی او درنظم دری ازمطالعهٔ دیوان وی به خوبی آشکاراست. قصاید وغزلیات و رباعیات ومثنویاتش دلیلی است روشن براینکه استاد درانواع سخن مهارت دارد ومیتواند ازعهدهٔ هریک ازشیوه هایِ شاعری برآید. بااینکه خلیلی اسلوب و روش پیشینیان رادرترکیب الفاظ وجُمَل رعایت میکند، ولی درابتکار مضامین و ابداع معانی، فکری توانا ومعنی آفرین داردوازاین رو قوّت معنی رابافصاحت و جزالت وحسن ترکیب توأم ساخته است..)

استادسعیدنفیسی درمقدمهٔ دیوان خلیلی نوشت:(خلیلی ازسخنسرایان چیره دست روزگاراست. عقایدوی درآن اوج بلاغتی است که کمترکسی رادسترس به آن هست. هرکلمهٔ آنهااحاطهٔ وی رادرادب هزار سالهٔ زبان دری می رساند، درغزلیاتش سخنان پرشوری هست که با نوای هزاردستان برابری میکند. در مثنویات وی هزاران نکتهٔ عرفان ومعرفت نهفته است که دانایان رانیز اندیشه می افزاید. رباعیات وی که هریک شاهکاری ازپیوستگی معانی دقیق باالفاظ رشیق است وهنرنماییی معدودی ازسخنسرایان راکه دراین روش استادمسلم شده اند،به یادمیآورد. درمقطعات نیزهمیشه حق مطلب رابه بهترین وجهی اداکرده است.)

محجوبه هروی بانوی شاعرهراتی، در۱۳۰۸ خلیلی ۲۲ساله راچنین وصف می کند:

ای که در اقلیم سخن سروری — راه ز صورت، سوی معنی بری
درّ سخن را چو تو می پروری — هست سخن گوهر وتو، گوهری
شاعرافغان تویی اکنون به دهر — خلق ز فضل و هنرت برده بهر

جناب داکترمحمدسیاسی، به سفرهای خلیلی به ایران نیزنظری انداخته، که درهریک ازین سفرها، ازشهرهای مهم ایران دیدار کرده، با شخصیتهای نامدار ادبی آن سرزمین نشستها داشته، ودر دانشگاهها به سخنرانیها پرداخته، و پیوستگی و یگانگی فرهنگی میان افغانستان وایران را به شایستگی شرح داده است. البته سفرهای استاد به ایران بیشتر به دعوت مقامات علمی وفرهنگی آن کشور بوده، ازجمله، داکترسیاسی مینویسد :(استادخلیلی دوبار درسال های ۱۳۳۵ به دعوت دکترمهران وزیر فرهنگ وقت و ۱۳۴۰ بنابه دعوت دکترفرهاد رئیس دانشگاه تهران به ایران سفرکرد، ودرتهران ومشهد وشیراز اقامت کرد، وباادیبان و شاعران ایران ازنزدیک آشنایی بهم رسانید، وشرح پذیرایی هایی که ازاستاد به عمل آمد وخطابه هایی که ایرادشد وقطعات وغزلیاتی که بین ایشان وسایر ارباب فضل درتجلیل یکدیگر سروده ومبادله شده است، بعدازآن درمجموعهٔ به نام (پیوند دلها) منتشرشد. استاد درهنگام سفربه شیراز درضیافت دانشکدهٔ ادبیات شیراز اشعارزیررا که درهواپیما مرتجلاً سروده بود، قرائت کرد :

مژده ای شیراز من بوی بهار آورده ام — پیک گلزار دلم ، پیغام یار آورده ام
گر بهارآورده زینسان نرگس ونسرین وگل — صد بهار جانفزا ، من در کنار آورده ام
ازحدیقه زی گلستان وز سنایی سوی شیخ — راز های بس نهفته آشکار آورده ام
غـــزنه با شیراز دارد ربط های معنوی — حرف بسیاراست، من دراختصارآورده ام
ملت ایران وافغان غمـــگساران همند — غمگساری را حدیث غمگسار آورده ام
مژده ای یاران که من دردی کشان عشق را — ته نشین از جرعه های (لای خوار) آورده ام
ازبدخشان دل شوریده در شیراز حسن — شعر رنگین همچو لعلی آبدار آورده ام
شور برسر، شعربرلب، گل به دامن، جان به کف — در خرابات مغان چندین بهار آورده ام
ایمن است از برگ ریز حادثات روزگار — این گل الفت که من از نوبهار آورده ام
شادمان ازبخت خویشم کندراین گلزار ذوق — از نهال دوستی صدگل به بار آورده ام

... دراین سفراستاد باادیبان، نویسندگان وشاعرانی ازجمله رهی معیری، صادق سرمد، محمود فرخ، ابراهیم صهبا، حبیب یغمانیی، محمدعلی ناصح، دکترنورانی وصال، دکترقاسم رسا ومؤیدثابتی، بدیع الزمان فروزانفر، محیط طباطبایی، علی دشتی ومحمدحجازی ... به مفاوضات ادبی وشعری پرداخت که جدا ازارزش علمی و ادبی خود، ارزش تاریخی یافته وهریک سندی گویا است ازمعاشرت نیکوی شاعران ونویسندگان قلمرو پهناورزبان فارسی.

شاعربزرگوارداکترسیاسی، ازتبجیلی که شادروان حبیب یغمایی شاعر نامدار ایران هنگام چاپ دیوان خلیلی بعمل آورده ، نیزیادکرده که چهار بیت آن چنین است :

درشعر و هنر، دادِ هنـــر داد خلیلی — از پیشروان پیـــــشتر افتاد خلیلی
همواره سخنگو بُوَد و شاد که فرمود — ارباب سخن را به سخن شاد خلیلی
پرسندگرامروز که استادسخن کیست — گوییم هم آهـــنگ که : استاد خلیلی
تانام ز افغان و ز ایران به جهان است — نام تو به تاریـــخ بمانـــاد خلیلی

داکترسیاسی می افزاید: استاد بدیع الزمان فروزانفر، (از استادان نابغه ونامدار زبان فارسی دری معاصر)، درپاسخ قصیدهٔ نایی که از جده(عربستان) استادخلیلی به فارسی سره سروده بود، به این مطلع :

نکردی به نامه مرا یاد استاد — دل شادت انده میناد استاد

چنین پاسخ داده است :

اوســـتادا ز بعد عهد دراز — نامه ای سوی ما فرستادی
عجزمن دیدی ازثنا، که به من — رهنمون ثنا فرستادی . . .
نسخهٔ سحر بابلی ز حـــجاز — به ری ، آی اوستافرستادی...
ای خلیل الله از مقام خلیـــل — بینوا را نوا فرستادی . . .
خضروار از برای خشک لبان — تحفه ، آب بقا فرستادی

جهانگیرتفضلی نویسنده وشاعرفقید وسفیرکبیرایران درکابل در قطعه ای خطاب به استادخلیلی سرود :

ای خلیلی ، ای گرامـی اوستاد — ای تو در ملک سخن چون ژنده پیل
ای که پیش چشمهٔ مـهرتو بود — پهنـهٔ گیـــتی به چشم من قلیل
بیش ازاین بفکن به شاگردی نظر — کز خراسان است و از بومی اصیل..
تا که طبع خـــسته ام آئینه وار — از جـــمال طبع تو گردد جمیل...

درروزهایی که شادروان رهی معیری غزلسرای بزرگ معاصرایران دربستر بیماری بسرمی برد، استادخلیلی درسفری که به تهران انجام داد، ابیات زیر راسروده بادسته گلی به رهی معیری تقدیم کرد :

نوبهار هـــزار خرمن گل — طبع چون نوبهار توست رهی
ابر نیسان گلزمـــین سخن — مـــــژهٔ اشکبار توست رهی
بر شو ازجا که شاهد معنی — سخت درانتظارتوست رهی...
تومخورغم که خاطر یاران — همه جا غمگسارتوست رهی

رهی، این شعررا که واپسین اثراوست، دربسترمریضی سروده وبه خلیلی فرستاد :

... پیک مراد ، نامهٔ جـان پرور تو را — آورد وریخت خرمن گل درکنار من
یک آسمان ستاره ویک کاروان گهر — افشاند بریمین من و بریسارمن
شعری به تابناکی، نظـــمی به روشنی — مانندا شک دیدهٔ شب زنده دارمن...
فرداست ای رفیق که ازپاره های دل — افشان کنی شکوفه وگل برمزارمن
فرداست کزتطاول گردون رود به باد — تنهانه خسته جان، که مشت غبارمن
وین شکوه هاکه کلک من ازخون دل نوشت — برلوح روزگار بود یادگار من

شاعرشیوایان داکترمحمدسیاسی، میپردازدبه چگونگی آشنایی خود با استاد خلیل الله خلیلی، ومی نویسد: (سال ۱۳۶۰ که من به تازگی ساکن شهرواشنگتن دی سی امریکابودم، روزی بزرگمرد نامی وطندوست مرحوم نصرت الله امینی اراکی، تلفن کرده وازمن پرسیدنداسم کوچک توچیست؟ عرض کردم (محمد) ، ودرحالیکه با شخص دیگری مشغول گفتگوبودند، اظهارداشتند: (بلی خودش است، محمدسیاسی) من که کنجکاوشده بودم پرسیدم موضوع چیست؟ آقای امینی فرمودند بزرگمردی درجستجوی شمابوده و مایل به دیدار تواست. پرسیدم این بزرگمرد کیست؟ گفتند استاد خلیل الله خلیلی. من باهیجان وخوشحالی گفتم، من بیش ازاستاد شیفتهٔ دیدارآن شاعرگرانمایه هستم، زیرااز طریق مجلهٔ یغماومجلهٔ انیس(چاپ کابل) که اشعاراستاد وگاهی نیزاشعارمرا انتشارمیداد، با نام استادخلیل الله خلیلی آشناهستم. قراردیدار ما دوروزبعددرایالت ورجینیا درمنزل نصرت الله خان امینی داده شد .

هنگامیکه وارداطاق پذیرایی خانه شدم، مردی میان قد، چهارشانه و نسبتاً تنومند باموهای فلفل نمکی که دراطراف گردنش پراکنده بود باچهره ای سبزه وچشمانی بسیارنافذ ولبخندی مهربان، درحالیکه پیراهن وشلوار سپیدبومی افغانی پوشیده بود، ازجای برخاست و دست مرابه گرمی فشرد وگفت هنگامیکه بعداز استقرارحکومت کمونیستی درکابل، خانه وکتابخانهٔ من موردهجوم وغارت قرارگرفت وناچار ازترک وطن واقامت در دیاربیگانه شدم (دنباله در ص ششم)

انجنیرعبدالصبور فروزان — نیوجرسی

تلویزیون (ژوندون)

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی درافغانستان (۳)

دربخش اول این مقاله تذکردادم که ژوندون شبکهٔ تلویزیونی است که مظهرپخش وگسترش افکارتعصب گرایی وتحمیل زبان پشتو، و حاکمیت پشتونها برسایراقوام کشورمیباشد. این تلویزیون از بدو نشرات خویش همین هدف راتعقیب نموده وگردانندگان آن در تلاش اندتانشان دهندکه اقوام و ملیتهای دیگرساکن درکشور، اهل این سرزمین نمی باشند، واینها یاپشتون شوند ویااز این کشوربیرون رانده شوند! مشاورین وتمویلگران این تلویزیون راکسانی تشکیل میدهدکه درتعصب زبانی وقومگرایی درجامعه مشهوراند، وهیچ فردی درجامعه مانیست که ازکیفیت این اشخاص آگاه نباشد. این اشخاص متعصب دایرهٔ راتشکیل میدهندکه مرکزآن درقصرریاست جمهور ومحیط آن از فرانسه وامریکا میگذرد. اینهادرصدد اندتابه هرقیمت وهرقربانی که میشود، بایدزبان پشتو رابالای ملیتهای دیگر کشور تحمیل نمایند وبرمردم فشاربایدآوردتا از استعمال کلماتی که درزبان خودشان است، خودداری نمایندوبه عوض کلمات پشتو را قبول نمایند. گرچه این عنعنه ازسالیان قبل آغازشده ومجریان آن که قدرت حاکمه را دردست داشتند، برای تحقق این آرمان ازهیچ نوع ظلم و استبداد، قتل وقتال، شکنجه وآزار دریغ نکردند. اینهاهمه آنچه درتوان واختیار داشتند، برای تحمیل زبان پشتو برسایراقوام کشور بکاربردند. ایشان بعوض اینکه برای ترقی وتعالی کشورکارنمایند، همه نیرو وانرژی خودرابدان مبذول ساختند تاقوم پشتون را بحیث حاکم وفرمانروا مستحق مسند وقدرت، واقوام دیگررا رعایاو فرمانبردار سازند. ایشان تااندازهٔ موفق هم شدند وباغصب زمین، خانه، مال ودارایی اقوام دیگر، واعطای آنهابه پشتونها، گماشتن پشتونها برای چوروچپاول مال ودارایی اقوام دیگر، تعرض به حیثیت وناموس اقوام دیگر، قتل وکشتار مردان وسرشناسان اقوام دیگر، ربودن زن هاودختران ایشان به هدف خودنایل شدند، اما دشمنی عمیقی رامیان پشتونها واقوام دیگرکشور، که باهم برادر اند و سالیان درازدرپهلوی هم زندگی میکردند، بوجودآوردند، واین هدف غایی این شاهان وحکمرانان غدار ومستبدبود.

خوشبختانه جهاد مقدس مردم افغانستان دربرابرروسهای اشغالگردر عمل ثابت کردکه دردفاع ازوطن، همه اقوام سهیم بودند وهمه ملیتهای ساکن درکشوربه هرزبانی که حرف میزدند، دردفاع ازوطن قربانی دادند. جهادمردم افغانستان ثابت ساخت که هرقوم وهرملیت این کشورتوانمندی دفاع ازوطن وازخود رادارند، وطلسم مفکورهٔ اینکه پشتونهاحاکم وفرمانروا، ودیگراقوام محکوم و فرمانبرداراباشد شکست. این شکست دردل متعصبین زبانی وقومی پشتون دلهره انداخت وایشان دیدندکه آنچه پیشوایان وگذشتگان شان اعمارکرده اند، درحال سقوط وفروپاشی است. مردم ازنیات شوم ایشان آگاه شده اند. حقایق تاریخی که سالیان سال مردم ازآگاهی آنهامحروم ساخته شده بودند، برملا میشوند وبه اصطلاح چلوصاف شان ازآب بیرون میشود .

این گروه برای احیای مفکورهٔ برتری پشتونهابالای اقوام دیگر و تحمیل زبان پشتوبراقوام دیگرکشور، که زبان و فرهنگ خودرادارند، درتلاش اندتابااستفاده ازنشرات تلویزیونی، اذهان عامه را تحریف وحقایق تاریخی راپنهان سازند. گردانندگان این بازی کهن و ازمود افتاده آقایان غنی احمدزی، کرزی، واحد طاقت، ستارسعادت، کریم خرم، اکرم خپلواک، فاروق وردک، عمرزاخیلوال و چندتن دیگرمیباشند. عملکردهای اینهاوطرزدید شان به هیچکس پوشیده نیست. اینها همه درتلاش اندتاآتش ظلم واستبدادی راکه شاهان وامرای مستبد و مزدور برافروخته بودند، دوباره روشن نمایند امااایشان فراموش کرده اندکه اکنون زمان دیگری است ومردم بیدارشده وآن وسایل کهن وفرسودهٔ نادر و هاشم و داوود به کار نمی آید. چنانچه وقتی که شهیداحمدشاه مسعود درجهاد مردم ما برازندگی نشان داد، واز نیت نیکش برای وطن ومردم همه آگاه شدند، وضربت شمشیرش کاخ کرملین رابه لرزه درآورد، وهمزمان گلبدین به بندگی وعبودیتش به نظامیان پاکستان افزود و به فرزندنازدانهٔ آی اس آی وجنرالهای پاکستان تبدیل شد، مردم بیشتربه دوراحمدشاه مسعود بسیج شدند، واکثری از مجاهدین حق شناس پشتون که تعدادشان بیشماراست، به رهبری اوپیوستند، چون این مجاهدین پشتون درمرض تعصب زبانی وقبیله گرایی مبتلا نبودند. درهمان زمانی که شهیداحمدشاه مسعود درکوه پایه های وطن برعلیه روسهای اشغالگرمیجنگید، وازوطن وناموس وطن به قیمت خون خود دردفاع بود، توآقای اسماعیل یون رسالهٔ رادر پشاور بچاپ رساندی وازمجاهدینی که ازوطن وناموس تودفاع می کردند، درآن مذمت کردی تاجنرالهای پاکستان راکه بااین مجاهد بزرگ (احمدشاه مسعود) مخالفت داشتند، خوشنودساخته باشی، این رساله را(لمری سقوی) نام گذاشتی ودرآن به پشتونهای متعصب چون خودت هوشدار دادی که احتیاط کنیدکه قدرت راازدست می دهید. همزمان بانشر رسالهٔ تو، همتایت گلبدین، این فرزند رضاعی جنرال حمیدگل پاکستان، طراح بدبختی های مردم افغانستان، رسالهٔ بنام حضرت یوسف نگاشت تافقید استادبرهان الدین ربانی راکه شخصیت والای او، حلم ودانش او، تقواو تواضع او ازهیچکس پوشیده نیست، درانظارمردم افغانستان دیگرگونه جلوه دهد، واین شخصیت بزرگمنش جهاد وتاریخ افغانستان ومنطقه رابه آن برادر یوسف که خیانت کرده بودشباهت داد. وقتی خبربه استادرسید، مرحومی تبسمی کردو گفت:(خیراست آقای حکمتیارهنوزبچه است) ! درحالیکه همین گلبدین در زمانیکه کابل راراکت باران میکرد واستادربانی فقید رئیس جمهوربود وحاجی قدیرهمه رهبران جهادی رابه جلال آباد خواسته بود تاراه حلی پیدا شود. درآن مجلس گلبدین دستهای شهیداستادربانی رابوسیده وچشمهای خود مالید. استاد عبدالرب رسول سیاف که درآن مجلس بود، گفت:(این آدم دورویه را ببینید که ازیکطرف راکت میزند، وازطرف دیگر دست استاد رامی بوسد!)

زمانیکه روسهاشکست خوردند وحکومت مجاهدین برقرارشد، تو آقای اسماعیل یون، رسالهٔ دوم خودراتحت نام(دویمه سقاوی) نگاشتی، وهمین مجاهدینی راکه روسهاراشکست دادند، بد و رد گفتی، ولی بیخبرازینکه اگراین مجاهدین نمی بودند، توامروزبه عوض زبان پشتو، مجبورمیشدی که به روسی حرف بزنی! این رساله رانیزبه کمک نظامیان پاکستان درپشاورچاپ کردی. اما وقتی طالبان مزدور افغانستان رابه همکاری نظامیان پاکستانی اشغال نمودند تو آقای یون خاموش شدی وسروصدایت گم شد وازظلم وبیداد طالبان هیچ شکوه نکردی وافکارپشتونیستت بالایت غالب شد ! واز بیداد طالبان واشغال کشورت توسط پاکستانی ها چیزی نگفتی! ولی زمانی که مجاهدین ازصفحات شمال کشورطالبان راشکست دادند، باوجوداینکه کرزی را که همنظر وحمایه گرتو است، امریکاییها رئیس جمهورساخت، توموجودیت تعدادی ازافراد مربوط به ملیت های دیگررا، که خلاف حکومتهای پیشوایان تو بود، تحمل کرده نتوانستی و رسالهٔ دیگری بنام(دریمه سقاوی) نگاشتی که مصارف آن ازطریق دفترریاست جمهوری کرزی تهیه شده بود ! این رساله درکابل نشرشدوچنان پرازتعصب زبانی وقبیله گرایی است که نظیرآن درنشرات کشور دیده نشده است. کتاب را مرحوم مارشال فهیم گرفت ودرمجلس کابینه آنراپیش روی کرزی انداخت وگفت ازیک جانب مامیگوییم که وحدت ملی باشد، واز طرفی اینطورنشرات را که ضدوحدت ملی است، اجازه میدهی! (صفحهٔ هفتم)

داکترغلام محمد دستگیر — برومفیلد ـ کلورادو

تفکیک وقوع بعضی حوادث

در زمان مجاهدین و ویرانی کابل (قسمت چهارم)

دوستان عزیز خوانندگان وطندوست هفته نامهٔ امید: درین قسمت چهارم گزارشات سال ۱۹۹۵ حضورتان تقدیم میگردد. لطفاً به دقت توجه کنید:

سال ۱۹۹۵: ۸ جنوری۴۵ توزیع ۲۰ تن مواد ارتزاقی ارسالی صلیب احمر بین المللی برای ۲۰,۰۰۰ نفریکه از خانه هایشان در نتیجهٔ جنگها بیجاشدند ودرعمارات عامه مانندمکاتب سکونت گزیده اندشروع شد.

۱۰ جنوری استادربانی اعلان کردازمقامش به مفادیک حکومت مؤقت زیر قیمومیت ملل متحداستعفی میکند مشروط براینکه گلبدین بمباران کابل راقطع وبه محاصرهٔ شهرکابل خاتمه دهدوتسلیحات سنگین خود را ازمنطقه دور کند (اعلان اول). ۱۱ جنوری محمود مستری ذوات آتی را بحیث هستهٔ اول برای تشکیل حکومت مؤقتی آینده معرفی کرد: داکترمحمدیوسف, داکتر عبدالصمدحامد, سلطان محمودغازی, استادعبدالستارسیرت, حاجی عبدالقدیر, قوماندان اسمعیل خان, حاجی منگل ومحترم موسی توانا. ۱۲جنوری حکمتیار به آتش بس موافقه میکندامامیگوبدشرط استادربانی در وضع فعلی مشکل بنظر میرسد. ۱۸ جنوری ۵۹ لاری حامل مواد آذوقه ارسالی ملل متحد بعدازینکه توسط افراد حزب اسلامی حکمتیارمورد غارت و چپاول قرارگرفت با لآخره بکابل رسید۴۵.

۵ فبروری ملیشیای ازبک قندز راکه تحت کنترول قوای حکومتی بود به تصرف درآورده شاهراه سالنگ را تحت کنترول خودقرار دادند.,۱۳ فبروری قوای حکومتی تحت قوماندان مسعود قندوز را دوباره بتصرف میآورند, ۱۸ فبروری دورهٔ وظیفهٔ استادربانی بحیث رئیس جمهورپایان میرسدوپیشنهاد کرد که تادرمورد آیندهٔ افغانستان مذاکرات راباجوانب مختلف بشمول طالبان(جهت معلومات بیشتربه بحث طالبان؛ به مضمون خطاب به خطاب مراجعه شود.) ازسر گیرد. ۲۲ فبروری مسعود, شیرخان بندر وعلی آباد ولایت قندز را بتصرف در آورد, دوروزبعدبادوری گلبدین دوستم وشیخ علی مزاری ازصحنه، استاد ربانی به طالبان تقسیم قدرت را پیشنهاد کرد. ۲۶ فبروری در کارتهٔ ۴ و کارتهٔ ۳ تبادل آتش راکت بین قوای حکومتی و حزب وحدت صورت گرفت۴۵.

۶ مارچ قوای هوائی حکومت مراکز حزب وحدت را در کارتهٔ ۳ کابل بمبارد کردند, حزب وحدت درینوقت است که بین قوای حکومت- طالبان- و طرفداران اتحاد اسلامی سیاف گیر میماند, ۱۱ مارچ قوماندان مسعود با یک حملهٔ شدید قوای طالبان و حزب وحدت را از مناطق دست داشتهٔ شان در کابل بیرون میراند,۱۳مارچ شیخ علی مزاری رئیس حزب وحدت درقیدقوای طالبان قرارگرفت واماحین انتقال وی از چهارآسیاب به قندهار بقتل رسید واستاد کریم خلیلی بجای او مؤقتاً رهبری حزب وحدت را بدوش گرفت, ۱۶ مارچ قوای حکومتی درمناطق دارالامان- ریشخور و تاج بیگ طالبان را وادار به عقب نشینی کرد, ۱۹ مارچ قوماندان مسعود چهارآسیاب را در ۲۵ کیلومتری کابل از طالبان بدست آورد و فتح کرد۴۵.

بعدازچهارسال تعطیل رئیس جمهوراستادربانی بتاریخ ۷اپریل دانشگاه کابل را افتتاح کرد, ودرهمین روز ایران ترانزیت اموال افغانی را از طریق کشورش ممنوع قرارداد. ۲۵ اپریل بمناسبت سومین سالروز فتح کابل توسط مجاهدین رسم گذشت عسکری در غیاب قوماندان مسعود و سیاف اجرا شد۴۵.

۱۶ جون دوطیارهٔ نظامی دوستم قندزوشهرنو کابل رابمبارد کرد۴۵.

۱۹جولای جهت بدست آوردن مرغاب ولایت بادغیس درغرب افغانستان بین طرفداران حکومت وقوای دوستم برخورد رخ داد. و درهمین روزبرای تصرف یکاولنگ درولایت بامیان جنگهای بین قوای مسعود و دوستم رخ داد که درنتیجه بامیان تحت کنترول قوای حزب وحدت و جنرال دوستم قرار گرفت۴۵.

اول اکتوبر درنزدیکی پلخمری جنگ شدیدی بین افراد حکمتیارو قوای سیدکیان رئیس فرقهٔ اسماعلیه رخداد, ۱۸اکتوبر دربرابرتهدید طالبان حکومت کمربندهای امنیتی را تقویه نموده و افراد احتیاط راجمع آوری کرد. ۱۰اکتوبر پاکستان مسعود خلیلی نمایندهٔ سیاسی افغانستان راخبر دادکه ازپاکستان خارج شود. ۳۰اکتوبر رابین رافایل معاون وزارت امورخارجهٔ امریکاباستادربانی، احمد شاه مسعود، دوستم وعبدالقدیر رئیس شورای ننگرهاردرمقرهایشان جداگانه ملاقات و تقاضاکردتا بامحمودمیستری برای جستجوی حل قضیهٔ افغانستان همکاری نمایند. یک روز بعد جنرال دوستم موفقیت پلان صلح میستری را برای افغانستان آرزو کرد۴۵.

۲نوامبر جنرال عبدالحکیم کتوازی سابق قوماندان عمومی ژاندارم و پلیس افغانستان درپشاورتوسط اشخاص مسلح بقتل رسید ودو روزبعد وزیرمحمد زدران سابق وکیل شورای ملی رادرپشاورنیزترور کردند. ۵ نوامبراستاد ربانی باز (بار دوم)رضائیت خودرا برای انتقال قدرت مشروط بر اینکه جنگهای داخلی و مداخلات خارجی در افغانستان پایان یابدابراز کرد, ۸ نوامبرآصف احمد علی وزیر خارجهٔ پاکستان با دوستم در شمال افغانستان ملاقات کرده هر دو ازاستاد برهان الدین ربانی تقاضاکردندبدون قیدوشرط ازوظیفهٔ خودکنار برود واستعفایش راشرط اول برگشت صلح در افغانستان وانمودکردند, ۲۹ نومبر سازمان عفوبین المللی، ایالات متحدهٔ امریکا، اروپای غرب، روسیه؛ بعضی ازکشورهای منطقه مانندایران، پاکستان وعربستان سعودی را درمورد نقض حقوق بشردرافغانستان که اسلحه دراختیار گروپهای مختلف قرار میدهند مقصر قلمداد کردند۴۵.

۷ دسمبر پاکستان اعلان کرد که میخواهد سفارت خود را ازکابل به جلال آباد انتقال دهد حکومت کابل آنرا یک عمل خصمانه علیه حکومت افغانستان دانسته این عمل راتلاش برای تولیدتفرقه اندازی بین افغانهاتلقی کرد, ۱۳دسمبر هیأتی تحت ریاست داکترعبد الرحمن وزیرهوانوردی ملکی ازطرف رئیس جمهور ربانی به مسکو فرستاده شدتاکمکهای شانرا به منظورمقاومت علیه طالبهاجلب نمایند, ۲۰ دسمبرملل متحد دورهٔ ماموریت محمود میستری راتمدید کرد, ۲۱ دسمبریک بمب درصدربازارپشاورانفلاق کرد و ۳۰ نفرکشته و تقریباً ۱۰۰ نفرزخمی بجاگذاشت؛ اسلام آباد کابل ودهلی رامسئول دانست. ۲۸ دسمبراستاد ربانی بازهم (بار سوم)آمادگی خود رابرای ملاقات با همه سران مخالفین بشمول طالبان اعلان کرد۴۵./ (دنباله دارد)

****

خروج نیروهای بریتانیا از هیرمند یک معماست!

برخی نمایندگان مجلس می گویند که خروج نیروهای بریتانیایی از هیرمند عجولانه است و نیروهای امنیتی افغانستان تا هنوز به اندازه ای تجهیز نشده اند که از این ولایت دفاع کنند.قاضی عبدالرحیم عضو مجلس به خبرگزاری جمهور گفت:خروج نیروهای بریتانیا ازهیرمند درحالت فعلی که نیروی امنیتی افغانستان ازلحاظ تجهیز و تعلیم به حدی نرسیده اند که بتوانند مستقلانه دفاع بکنند، تصمیم عجولانه است هیرمند از ولایتهای نا آرام است که شدت جنگ در این ولایت پابرجا بوده و نیروهای امنیتی افغانستان بدون حمایت هوایی و تجهیزات پیشرفته نمیتوانندبخوبی ازین ولایت دفاع کنند . خانم نسیمه نیازی نماینده مردم هیرمند درمجلس نمایندگان نیزخروج نیروهای بریتانیارا از هیرمند به موقع نمی داند.

مترجم: سیدفقیر علوی — کلیتن ـ کالیفورنیا

جنگ ها درافغانستان

جنگهادرافغانستان، نام کتابی است که پیترتامسن Peter Tomsen طی هشتصد صفحه ودرخلال هشت سال، جنگهای افغانستان رابااسناد محرمانه ومدارک موثق نگاشته است. ناگفته نماندکه مولف این اثرچارسال تمام نمایندهٔ خاص حکومت امریکانزدمجاهدین افغانی بوده است.

تامسن درمقدمهٔ اثرخویش ادعامیکند که مسئولیت تمام این مطالب بعهدهٔ نویسنده است. این اثرمورد توجهٔ اکثرسیاستمدارانی که به بحرانهای سیاسی جهان علاقه دارند، مخصوصا افغانستان، که مورد تجاوزقشون سرخ شوروی قرارگرفت، ومردم این سرزمین باکمبود سلاح وتجربهٔ کوتاه، دربرابرقدرتهای بزرگ چگونه موفق شدند این امپراتوری ستمگار را ازپا درآورند، به خود کشانید، تااینکه این اثر رابادقت وحوصله مندی مطالعه کنند ولاجرم تبصره هایی نیزدر موردش صورت گرفته که این عاجز بصورت نمونه، تبصرهٔ آقای هگ چگل وزیردفاع فعلی امریکا رادرینجا ترجمه می کنم :

(کتاب تامسن که باکمال دقت تهیه شده وحالت افغانستان رابصورت بسیار دقیق تهیه کرده ومن میتوانم بگویم که این یک شاهکاراست.)بخش دیگری ازین اثرعظیم راطورفشرده تقدیم خوانندگان ارجمند نامهٔ وزین امید میکنم که چگونه گلبدین، بهترین قوماندان جهادی احمدشاه مسعود را به هدایت پاکستان میخواهدترور کند، و احمدشاه مسعودبه این حرکت چگونه پاسخ میدهد.

(... ساعت دوی شب۱۴جولای سال۱۹۸۹دروازهٔ جلوی منزل مایک لینوفسکی قونسل امریکا درپشاور بشدت کوفته شد، که آرامش ساکنین منزل قونسل وهمچنان همسایه های اطراف منزل اوراخلال نمود، جاییکه هنوزقیود شبگردی درشهرحکمفرما بود. مایک و این جانب(تامسن) باعجله واضطراب دروازهٔ خانه راکشودیم، متوجه شدیم که احمدضیا مسعود ویحیی مسعود، برادران احمدشاه مسعود وباچهره های ابرافروخته وچشمان اشک آلود فریاد کنان اظهار داشتندکه درقریهٔ فخار مربوط ولایت تخار، مجاهدین ماذریعهٔ سید جمال قوماندان حکمتیار قتل عام شدند.

چون انگلستان دستگاهی کامل رابه احمدشاه مسعودسپرده بود، که اوهرلحظه میتوانست صحبتهای تلفونی گلبدین رابامامورین حکومت پاکستان بخوبی استماع نماید، وبرخی اوقات نیز که درنظرش مهم بود یادداشت میکرد، وبه این ترتیب مناسبات نزدیکی که گلبدین بامقامهای پاکستان داشت، این احتمال را تقویت میکردکه اینهمه قتل عام هابدستورپاکستان صورت گرفته خواهد بود . مجاهدین مقتول بعداز اشتراک درجلسهٔ مشورتی احمدشاه مسعودکه درمرکز قریهٔ فخار دایرشده بود، تصمیم داشتندتا دوباره به مراکز خویش مراجعه کنند، امایش ازآنکه مجاهدین به قرارگاههای خود بروند، نمایندهٔ این جلسه قبلاً باسید جمال قوماندان گلبدین ملاقات واز او خواهش کرده بودتا مجاهدین مابه مراکز اصلی خودبرمیگردند، مزاحم نشود سیدجمال دست خویش راروی قرآن شریف گذاشت واطمینان دادکه درباز گشت آنان اختلالی وارد نمی کند.

مشکل این بودکه پیروان حکمتیار، دردهن دره قرارداشتند وبدون همکاری آنها، امنیت مجاهدین احمدشاه مسعود درعبورازدره دشوار بود، ولی دریغ که سیدجمال به وعدهٔ خویش وفا نکرد. بعدازقتل عام مجاهدین احمدشاه مسعود وارسال راپور قونسل امریکادرپشاور، واشنگتن مصروف بررسی موضوع و اتخاذ تصمیم درآن باره شد.

راپورقونسل امریکامقیم پشاور حاکی ازین مطلب بود. بعدازآنکه به تاریخ نهم جولای، مجاهدین جمعیت از ایستگاه خویش واقع ولایت تخار عازم خانه های خویش میشدند، گروه نخست تحت قوماندانی ملاعبدالودود وچارتن از اعضای گروهش ازطرف سیدجمال گرفتار واعدام شدند. روزدیگر سیدجمال یک دستهٔ۲۵ نفری از مجاهدین جمعیت راگرفتار وهمهٔ آنان را نیزاعدام کرد.

احمدشاه مسعودکه ازین حادثه سخت متأثرشده بود، تصمیم گرفت که شخصاً خودش این فاجعه راحل کند، که آن عبارت ازانتقام است که برخی اصطلاح بدل رااستعمال میکنند.

درافغانستان باشرایط موجودجنگ وناامنی وعکس العمل شدیدموجه میباشد، وبه این ترتیب قدرتها درمحاذجنگ مسئول آن بشمارمی روند. وقتی احمدشاه مسعود ازترور یک ثلث قوای محاذش ذریعهٔ سیدجمال آگاهی یافت، فوراً به تمام قوماندانهای جهادی خویش هوشداردادتا ازتوطئهٔ مخالفین خویش سخت آمادگی بگیرند، وهم به تشویش افتاد که توطئهٔ گلبدین درپیشرفت مجاهدین درجبهات مشکلاتی ایجاد خواهدکرد.

مطبوعات پاکستان به منظوراینکه روی این فاجعه پرده بیندازند، ادعا کردند که اختلاف بین مجاهدین افغان چه فجایعی مانندحادثهٔ فخار بارمی آورد. نشریهٔ گلبدین که درپشاور چاپ میشد ادعاکردکه حزب چپ کابل، سیدجمال قوماندان جهادی رادستگیر وبه احمدشاه مسعود سپرد تا اوراعدام کند، ولی این شایعات با مخالفت شدید مطبوعات بین المللی قرارگرفت، ویکباردیگرتنفر خویش راازعملکرد گلبدین اظهارداشتند. همچنان صبغت الله مجددی که رئیس مؤقت مجاهدین بود، حکمتیاررا متهم به این قتلهاومحکوم کرد.

اُوون رهبرجمهوریخواهان درکانگرس امریکا، که نظارت قوای مجاهدین رابعهدّه داشت، از سندیگال ژورنالیست انگلیسی خواهش کردکه این قضیه را بصورت دقیق بررسی کند، ولی استخبارات پاکستان که درمورد افغانستان پلان دیگری داشت، چندان علاقه نگرفت، درعین زمان نه دپلوماتهای غرب ونه دستگاه های استخباراتی این کشور ها بدنبال این فاجعه علاقهٔ نشان ندادند .

احمدشاه مسعودتصمیم گرفت که بایدهرچه زودتر این دوسیه بسته شود، و برای اینکه سایرقوماندانهای گلبدین ازاعدام سیدجمال عکس العمل نشان ندهند، هیئت هایی به جبهات اوفرتاد تابه آنهاازقول احمدشاه مسعود اطمینان بدهندکه به آنهاهیچ ضرری نخواهدرسید. ازطرف دیگر احمدشاه مسعودعدهٔ ازروحانیون رادعوت کردتااین قضیه رابررسی وفیصلهٔ خویش راابراز نمایند، وآنهانیزبه اکثریت آرا حکم اعدام شخص مسئول قتل عام راصادر کردند. مسعود پینه خان راکه یکی ازفعالان مجاهدین پنجشیر شمرده میشد، احضار و فیصلهٔ روحانیون رادرمورد متهم تطبیق کرد. /

یک پیشنهاد خیرخواهانهٔ ازین عاجز : حالاکه مع الخیراشرف غنی احمدزی باداکترصاحب یک مسافرت رسمی به امریکا پیشرودارند، سعی کنندکه نویسندهٔ این کتاب تماس گرفته ونظریات وحرفهای اورا نیزبشنوند، زیرااین شخص چهارسال تمام نمایندهٔ خاص حکومت امریکانزدمجاهدین افغانی بود، وبه حکم وظیفه باهمه حلقه ها تماس داشت وبارؤسای مجاهدین صحبتهای خصوصی انجام داده است. بعد ازبدست آوردن خاطرات موصوف، قدم های پخته واستواری برای اعادهٔ صلح درافغانستان بردارند، وبه این ترتیب اسمای خویش رادرصفحات تاریخ افغانستان برای همیشه ثبت خواهندنمود./

****

خانم نیازی در صحبت با خبرگزاری جمهور بیان کرد: اوضاع در هیرمند مشخص است، در ولسوالی نوزاد هنوز جنگ جریان دارد. در چنین شرایطی، خروج نیروهای بریتانیااز این ولایت به موقع نیست و نیروهای امنیتی افغانستان تجهیزات که با مخالفین مقابله کنند در اختیار ندارند.اوکشورهای هم پیمان خارجی را به نقض تعهدات در قبال تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان متهم کرد.

بدماشی بچهٔ کاکای احمدزی درمیدان هوایی

اجمل غنی احمدزی فرزند اکمل غنی احمدزی وبچهٔ کاکای اشرف غنی احمدزی

من کارمند میدان هوایی کابل هستم. چند روز قبل سرکارم بودم که در مخابره بالای قومندان قراول وی آی پی صدا کردند که اجمل غنی داخل وی آی پی می شود.من پرسیدم که اجمل غنی کیست. برایم گفتندپسر کاکای داکتراشرف غنی احمدزی (پسراکمل غنی) است در عین حال یکی از بدماش های امریکایی می باشد.این گفتهٔ پنجشیری همکارم بود. منهم گفتم خوب پسر کاکای احمدزی است – مگر کسی که برایم معلومات داد از پنجشیردرست بود و من در موردش اشتباه کرده بودم اما او واقعآ بدماش برآمد.

اجمل غنی ۱۰ دقیقه بعدداخل وی آی پی شد. پاسپورتش راگرفتم تابرایش خروجی بزنم. دیدم پاسپورتش امریکایی است. اوخودهم فارسی رابه لهجه انگلیسی صحبت میکندو معلوم میشود که عمرش را در امریکا سپری کرده باشد.من باشوخی بامسئول تشریفات میدان هوایی که کارمندوزارت خارجه است گفتم که برادرباپاسپورت غیردیپلوماتیک آنهم پاسپورت امریکایی چگونه این نفر داخل وی آی پی شده است. زمانی که خروجی رابالای پاسپورت زده بودم آن دوستم به شوخی به جلالتمآب اجمل غنی! سخنان مرا نقل کرد، یکباره جهنم بالایم فروریخت. اجمل غنی بافحش و ناسزابه لسان انگلیسی مرااخطارداد که درده روزآینده از وظیفه برطرفت میکنم.

من معذرت خواستم وگفتم من بادوستم شوخی کردم وفکرنمیکردم اوبه شما ازدهان من نقل قول کند. بعد اجمل غنی که درپرواز دوبی بود، رفت که داخل طیاره شود. وقتیکه ازآخرین تلاشی وی آی پی میگذشت که بازسر وصدایش بلندشد، شتابان خودرا به اطاق تلاشی رساندم ودیدم که اجمل غنی جار وجنجال برپاکرده است. کرزی را فحش میگوید، وزیرخارجه و وزیرداخله را فحش میگویدومیخواهد بدون تلاش بگذرد. یک بکس سیاه دستی داشت وآنرا نمی خواست داخل ماشین اکسری بگذارد.میگفت که اوده بار ازین راه گذشته و ملیونهادالررابه کمپاین آورده است. فحش میداد که کسی حق ندارد او راتلاشی کند. گاهی به فارسی وزیادتربه انگلیسی. پلیس موظف هراسان سویش نظرمی کرد وبالاخره گفت که برایش اجازه نمیدهدبدون تلاشی ازمیدان بگذرد. همان بودکه اجمل غنی سیلی آبداری رانوش جان پلیس کردوپیهم اورا مادرفاکر میگفت. همه جمع شدند وبالاخره بامیانجیگری قوماندان؛ اجمل غنی داخل طیاره شد آنهم بدون تلاشی!!

حال که آیااو قاچاق میکرد، پول سیاه باخودمیبرد، یا چی میکرد؟ معلوم نشد.

اکنون سئوال من ازداکتراحمدزی است. شما که وعده به اصلاحات کرده اید، وعده به حاکمیت قانون و تطبیق قانون کرده اید، چگونه میگذارید پسر کاکای تان مرا اخطاربرطرف شدن بدهد، تلاشی ندهد، پلیس رابا سیلی بزند. اوچی حق دارد کرزی، وزیرخارجه و وزیر داخله را فحش ناموسی بدهد.

داکتر صاحب احمدزی! اگر این روال ادامه پیدا کند استعفا می دهم و تذکره ام را به اجمل غنی تسلیم می کنم و از افغانستان بیرون می شوم یا باید اجمل غنی به چنگال قانون سپرده شود.

صمیم احمد یما، کارمند میدان هوایی خواجه رواش کابل

(برگرفته ازشبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان)

****

رازچاقی خرم و سرخی مدبر

به تازگی افشاشده که مفتخوران ارگ درزمان کرزی هرصبح ۸۰۰۰دانه تخم مرغ مصرف میکردند که ازسنجش مصرف سالانه آن سرتان دور میزند. متن زیر، تلخیص یک گزارش مفصل است که ازسوی یک ناظرا باوجدان وابسته به حکومت جدید دراختیار »گزارشنامه افغانستان «قرار گرفته است :

زندگی شاهان ودرباریان، همیشه پشت درهای بسته، مرموز واز انظار ملت ها مخفی میباشد. آن ها از وفور نعمات فراوان و مفت، هرروز در صدد نوآوری درعشرتکده خود می شوند. به مصداق قول معروف »مال مفت دل بی رحم « هر روز درعیاشی وفضول خرچی، یک شاه کاری نشان میدهند.درکشورماهم شاهنشاه کرزی بعد ازتلاشهای ناکام باصدحسرت از کاخ شاهی برآمده وبه پناهگاه اخیرداکترصاحب نجیب الله رئیس جمهور فقید کشور پناه برده است !

واقفان حال و وارثان جدید الورود ارگ، ازدرون این قصرهیولایی به تازگی هزارحکایت وافسانه را باکمال حیرت واشتیاق درمجالس خصوصی روایت میکنند؛ ازجمله: در(ارگ) زمان کرزی، از برکت تدبیر دومقرب درگاه (کریم خرم وصادق مدبر) هرروز برای چای صبح ۸۰۰۰دانه تخم مرغ برای اهل دربار حواله بود که برای هرکارمند، روزانه ۸تخم مرغ میرسید.

گزارشی که ازمنبع مطلع درارگ مواصلت کرده مشعر است که براساس قرار دادخائنانه، هردانه تخم درمقابل ۱۶افغانی خریداری میشد؛ درحالیکه نرخ روز دربازار ۵افغانی فی دانه میسراست. خریداری بطورعمده، بی تردید که بهای هر تخم را به ۳افغانی کاهش میداد. به این حساب مصرف تخم یک روزه دربار کرزی به چندین میلیون میرسید. ازین قرار، درتاریخ تیار خوری ومفت خوری، مجریان وندمای ارگ در اطراف کرزی شاید اولین کسانی باشند که به این کثرت وبیدردی تخم مرغ را استعمال میکرده اند!همه این وقایع تحت نظر کریم خرم رئیس دفترریاست جمهوروصادق مدبرهمه کارهٔ ادارهٔ اموراتفاق می افتاد. قصهٔ تنبل هاو مفتخورهای دربارسلطان محمود را شنیده بودیم؛ اما موجودیت صدهاتخم خوردردربارمملکتی که یک لقمه نان و معاش کارمندانش از جیب دیگران می آید، یک بدعت بی پیشینه است.مردم تعجب میکردند که خرم چرا اینقدر چاق میشود وچرا از سر و صورت صادق مدبر ویتامین می ریزد.

گروپ اشرف غنی احمدزی تاحال در برخورد با دوسیه تخم خوری حشری حیران وانگشت به دندان مانده است.سایت همایون

****

به گفته اوی؛ نیروهای امنیتی درمقابله با مخالفان از روحیه بالای برخوردارند؛ اما عدم ایجاد قوای هوایی، نیروهای امنیتی را با چالش جدی روبرو خواهد کرد.

بریتانیا دیروز مسئولیت تامین امنیت کامل هیرمند را به نیروهای افغان سپرد و تمامی نیروهایش را از افغانستان بیرون کرد.

پایگاه اصلی نیروهای بریتانیادر ولسوالی شورابک هیرمند بودکه تمام عملیات های نظامی برضد مخالفین ازین پایگاه سازماندهی میشد. بااین وجود نمایندگان مردم هیرمند درمجلس میگویندخروج نیروهای بریتانیابه معما تبدیل شده است.

اپوزیسیون یا اپوزیسیون ها (دنباله ازصفحهٔ دوم)

چون پخت و گشت شیرین لب گزان سست گـیرد شاخ ها را بـعد ازآن
چون از آن اقبال شیرین شـد دهـان سـرد شد بـر آدمی مـلک جـهان
سخت گیری و تعصب خامی است تا جَنینی ، کار خـون آشامی است

اگرمامیخواهیم دریک روند استوار، ناشکن وپایدار دربرابربیداد گری بایستیم، باید ازپشتیبانی وهمراهی هر گونه برتری خواهی و نا دیده گرفتن زبان، نـژاد، رنگ و باوردیگران بپرهیزیم. و تنها چیزی که خواهان آن باشیم هـمـان داد خواهی دربرابر بیدادگری بیدادگران باشد و بس.

این آرزو وهدف آنگاهی برآورده میگردد که همه نوجوانان و جوانان میهن دانش بسیار باخردمندی و آگاهی و فراخ نگری بدست آورده و سود و زیـان سیاسی را درک نمایند و همسویی و همدگرپذیری، گام بر داشتن همگانی در یک مسیر را بدانند و راه و روش مبارزه را بیآموزند و براه بیافتند./

****

منطق نماز چیست ؟ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

چون انسان جزخلقت است وخلقت جزءانسان است ؛ درهمان وقت سـجـده میکند که در اثر گردش زمین به محورخود ، با طبیعت همسان وهمآهنگ باشد . زمین درمدارخود در ۲۴ ساعت یک دوره راتکمیل میکند. همیـن مـوضـوع، آفتاب برآمد و آفتاب نشست را در نقاط مختلف جهان تعیین میکند. مـیـزان دورانی مغزانسان هم به اساس ۲۴ ساعت عیارشده است که این خود توازن روح و روان سالم انسانی را بر قرار میسازد زیرا باطبیعت هماهنگ است. منـطـق بـه دوش گرفتن مسئولیت عظیم امانت جهان که انسان درآن زیست میکند (سورهٔ احزاب آیهٔ ۷۲)، را به انسان میسپارد ودرعین زمان مسئولیت بزرگ دیگـر کـه انسان راقرآن نماینده (خلیفه) خداوند در زمین قرارمیدهد (سورهٔ بقره آیهٔ ۳۰) ؛ این دو مسئولیت یعنی به عهده دارشدن جهان که ما زندگی میکیم و نمایندگی آن ذات اقدس الهی یعنی خلفت انسانی در زمین به پایهٔ تکامل نمی رسد تااول انسان به مکارم اخلاقی و علم نرسد. مکارم اخلاقی از طریق آموزش و پرورش سالم امکان پذیر است که باید علمی باشد ، زیرا زیربنای اسلام علم است واساس علم ازعبادت خداوند شروع میشود که آغاز عبادت همانا نماز است. اولین آیهٔ را که خداوند به بشر نازل کرد "اقرا" یعنی بخوان بود وپیشوای اسـلام فـرمـوده است که اولین چیزی را که خدا خلق کرد (قلم)بود.

اینجاست که زیربنای دین ماو روش زندگی ما بایدعلم باشد که حصول ایـن علم ازطریق همان (عبادت) خداوند متصور است و بس. پیشوای اسلام (ص) گفته است (من برای تکامل مکارم اخلاق آمده ام)وچون آغازمکارم اخـلاق درنمازاست، انسان بدون اندیشهٔ توحیدی نمیتواند و قادرنیست تا محیط زیست رابه وجه احسن نگهداری کندویاخلافت کنددرصورتیکه اوقانون خداراکه در عین زمان قانون طبیعت است نفی کند. یعنی اساساخدا رانفی میکند. همه مطالب منفی غیرتوحیدی که دربالاتذکردادیم چون جای خداپرستی را میگیـرد، بـا توحیدونماز توحیدی درتضاد است. بیجای نبوده که پـیـشـوای اسـلام(ص) فرمود (نماز ستون دین است)و حال ما خوب می دانیم که ستون دین هـمـانـا یکتا پرستی یعنی توحید است و اولین رکن پروردگار بعد از ایمان آوردن، در هر دین که باشد عبادت خالق یکتا وبی همتا است.شاعر چه زیبا گفته است:

نقش معکوس نگین ازسجده میگردد درست
سرنوشت واژگون را راست میسازد نماز

همچنان هستندمردمان شریف که نمازادا نمیکنندو امادر اثر فشار روزگار خود کشی میکنند. شریف هستندواما شدید مادی پرست هستند.شریف هستند واما قوم پرست ونژادپرست ویازن ستیزهستند و مثالها زیادی نمایانگرایـنست که راز خلقت و اینکه هدف شان درین دنیای هستی چیست را ندانسته اند. این اشخاص شریف ناکام مانده اند که هدف زندگی خودرابه درستی درک کنند و خود و خانوادهٔ خود رابه بدبختی ها کشانده اند. گل سخن درین است که یکتا پرستـی ازطریق عبادت خداوند تنها اندیشهٔ مسلمان نبایدباشد زیرا توحیدجهانی است. به هردین وآئین که انسان باشد قادراست تا توحید رابشناسد زیرا مبداء تـوحـیـد یگانگی خدا با جهان هستی است که خلق کرده است. توحیدیعنی خدایـکـی است ؛ کاینات یکی است ، انسان یکی است وعلم یکی است. توحید یعنی نظام هستی با نظم خاص و توازن خلق شده است وانسان که جز همین خلقت است، اگر ازدایرهٔ توحیدخارج میشود به چالشهای گوناگون دچارمیشود زیرادیگر در توازن نیست ویک موجود غیرطبیعی است..

درین طرز تفکر همه مخلوقات به شمول انسان شامل است و اینکه خـداونـد میگوید که انس و جن را برای عبادتش(سورهٔ ذاریات آیه ۵۶)، خلـق کـرده است زیرا مرجع و مبداء برای همه هستی یکی است و مسلمان و نامسلمان همه شریک اند و از همین لحاظ است که گفت "رب العلمین". ونـه گـفـت رب المسلمین. رکوع وسجده به ذات اقدس الهی نمایانگر این است که ما از آن او هستیم وهمه هستی و نیستی ما ازآن اوست و ما با ادای این نماز تعهد میکنیم که غیراز او دیگرسرور و قانونگزار و روزی دهنده و حامی و پشتیبان نداریم. تنها به او تسلیم هستیم و بس .

تیو-ایتکس رابطهٔ انسان باخالق است و این رابطه تنها از طریق نماز و عبـادت خداوند برقرار میگردد. و اولین راه رسیدن به منزل مقصود در به پا داشتن نماز است. خداوند به نماز ما محتاج نیست و اما این ما هستیم که باید نقطهٔ وصل را پیداکنیم و اصل خویش را دریابیم .اصل ما در دو پدیده نهفته است و آن جسم وروح ماست. ژان ژاک روسوفیلسوف فرانسوی انسان را هایـلـومـورفـیـک خوانده است. "هایلو یعنی روح و مورفیک یعنی جسم. سؤال درین جاست که این روح از کیست و از کجا در قالب انسان دمیده است؟ تنها قرآن مجید جواب میدهد (و ازتودربارهٔ روح میپرسند؛ بگو روح از(عالَم) امرپروردگاراست؛ وشما را از علم جزاندکی نداده اند).اسراء آیهٔ ۸۵ .یگانه راه که این روح به آرامـش زندگی کند باذکرخالق است که از طریق نماز ، ذکر و دعاروح را با نشاط داشته باشد ودرنتیجه خودش را با نشاط داشته باشد زیرا تا روز اجل ، روح برعـکـس جسم که پیرمیشود ،هرگز پیر نمیشود وبالاخره با نفس آخری دوبـاره پـیـش همان موجودی میرود که نزدما به امانت گذاشته بود. دل مرکز وجایگاه روح است و قرآن میگوید: وتطمئن قلوبهم بذکرالله،یعنی (وآرام گیرد دلهای شان با ذکرخداوند.) بازمیگوید الا بذکرالله تطمئن القلوب یعنی بدانـیـد کـه بـاذکـر خداوند دلهاآرام میگیرد.

اساسا وقتی که ما خوب دقت کنیم تیو-ایتکس که رابطهٔ انسان با خـالـقـش میباشد درصورت شناخت اصولی توحید، دورابطهٔ دیگر را مستحکم میکند. اما متأسفانه میبینیم که شناخت اصلی از توحید نداریم و درسطح فردی، خانوادگی وکشوری افسردگی های گوناگون ، بی نظمی های گوناگون،بد اخلاقی های گوناگون همه سرچشمه میگیرد از ینکه (ستون دین)را ما خود بدست خـود ویران کرده ایم و نتیجه اش را هم خوب می بینیم .

در اخیر میخواهم این داستان زندگی خود را به ارتباط نماز به شما تعریف کنم. شبی ازشبها در منزل تنها بودم و یک کتاب در دستم بود و سرگرم مطالعه بودم، برق های منزل قطع شد. بیرون رفتم دیدم چند تن از همسایگان هم که دفعتاً بیرون برآمده اند و آرزو داشتند بدانند که چرا برق منطقهٔ ما قطع شده اسـت. کوچه ما تاریک بود . کسی همدیگر را نمیدید. همسایهٔ دست راستی منزل من بمن نزدیک شد و گفت میخواست جائی برود و اما موترش داخل گراج است و در باز نمیشود. وعلاوه کرد که چی تاریکی عجیبی !همه چیز تاریک است و کسی کسی را نه می بیند. لبخند در لبانم نقش بست و در دل گفتم چـه سـاده مردیست این امریکائی. فراموش کرده و یا نمیداند که موجـودی کـه ایـن تاریکی راهست کرده همه را می بیند. بازگشتم به خانه و وقت نماز عشاء بود. از آلماری آشپزخانه یک شمع را پیداکردم که برای روزهای مبادا همیشه همسرم نگهداری میکند، گرفتم و باکبریت روشن کردم . برق ها هنوز هم خامـوش بود. یخچال، تلویزیون، رادیو؛ ساعتهای برقی ، همه آلات منزل از کار افـتـاده بودند و گویی زمان متوقف شده است. حتما متوجه شده اید که منبع تکنالوژی عصر حاضر اساسا برق است . اگر برق نباشد همه نظام انسان متمدن سـقـوط میکند. چنانچه منبع اساسی انرژی در طبیعت آفتاب است و اگر آفتاب نبـاشـد زندگی جهان هستی دیگر وجود نمی داشته باشد. من در حالـیـکـه شـمـع را خاموش میکردم و جای نماز را بازمیکردم تا نماز عشاء ادا کنم، این آیه در مغزم خطور کرد: الحمد لله الذی خلق السموت و الارض و جعل الظلمت و الـنـور (سوره انعام آیهٔ اول) یعنی سپاس خداوندی را که آسمان ها و زمین را آفرید و پدید آورد تاریکی ها و روشنائی ها را. گفتم الها هر چه قطع میشود، شود؛ امـا وصل مرا با خودت قطع نکن زیرامنبع همه انرژی وهمه توانائی وهمه روشنائی وهمه درگشائیهاتوئی و چون ایمان تصدیق به قلب است و اعتراف بـه زبـان گویا، به دل نیت کردم و به جهر الله اکبر گفتم و در تاریکی منزل خود شـروع کردم به نماز. نماز یعنی آزادی انسان ازهر گونه اسارت، بندگی و غلامی .

ازسؤال برادرعزیزوگرامی ام که مرا افتخار بخشیدند ،تشکر میکنم و من الله توفیق. دوشنبه سوم نوامبر ۲۰۱۴ میلادی

برای مأخذ این نوشتار و مطالعات بیشتر لطفا به دو کتاب ذیل که بـه زبـان انگلیسی است مراجعه فرمائید :

God's Will Be Done, volume I,II and III by Laleh Bakhtiar.
The Institute of Traditional Psychchoethics and Guidance 1994
Tawhid: Its Implications For Thought and Life by Ismail Raji Al-Farouqi.
International Institute of Islamic Thought, 1982

****

وهابیت مذهب رسمی سعودی ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

ولی کمکهای عربستان وشیخ نشینان عرب هیچ ویا کمک خیلی ناچیز کرده اند . متاسفانه یکتعداد ازمسلمین چشم و گوش بسته ما درافغانستان وسایر کشورهـای همجوار، شاه عربستان را بحیث خادم الحرمین میشناسند، وتمام عوایدنفت کـه ارزش آن به صدهابلیون دالر درسال میرسد و چون ازفرقه وهابی پیروی مـی کنندسعی دارندفرقه وهابی رادر کشورهای مسلمین جهان توسعه دهند .ودریـن راه سرمایه های هنگفت رابه مصرف میرسانند.فرقه وهابی را بخـصـوص در کشورهای غریب, عقب مانده, دستنگر وبیسواد مانند افغانستان, پاکستان, یمن, شیخ نشینان عرب وچند کشورافریقائی باحمایه قوی پولی توسعه مـیـدهـنـد. درپاکستان نظربه آماروارقام احصائیوی رسمی حکومت پاکستان به تعدادشش هزار مدرسه وجود دارد، درحالیکه احصائیه غیررسمی تعدادمدارس را به هژده هزارتخمین کرده اند ودریک تعداد زیاداین مدارس تعلیم وهابیت داده میشود که باپول زکات عربهای وهابی وسلفی تمویل میشوند. جهاد نامنهادطالبان راکه تحت تاثیروهابیان رفته اند درافغانستان وپاکستان ازپیش ببرند. ملاعمر شاگـرد مدرسه وهابی درپاکستان, مردی که درتاریکی نشسته واز آنجابه فتوادادن آغاز کردوخودراصاحب دم عیسی, عدل سلیمان, عصای موسی وامیرالمـومـنـیـن مسلمین نامید. دین, مذهب, عقیده و ایمان رادراه کسب قدرت وخدمـت بـه استخبارات آی اس آی پاکستان به بهره برداری کشید وبجای اینکه مظهر حق وعدالت گرددبه جنایت بشری درافغانستان محکوم شد. افراط گرائی ریشه در فقر وناآگاهی, بیسوادی و کوتاه نظری دارد. طالبان مردم و جوانان مارا بافتوای غلط شستشوی مغزی داده وبه انتحارمتوسل میسازد ولی هدف اصلی اش نسـل کشی قتل عام مردم بیگناه وبی دفاع کشوربه منظور تضعیف سیاسی افغانسـتـان است، سیاست طالبان عوام فریبی , گمراهی, فساد, انحطاط فکری , فرقه بازی ودین سازی بود که منجر به یک نفاق ملی گردید ./

****

ما چه به دست آوردیم ؟ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

مسعودپاکستان رفت، دوسال درآنجا تعلیمات نظامی دید، وبادقت رهنمودهای چیگوارا، ماووتسی دونگ وهوچی من رادربارهٔ جنگهای گوریلایی مطـالـعـه نمود، ومیخواست آنرا درشرایط افغانستان، بویژه دردرهٔ پنجشیرتطبیق بدارد.

پس ازآنکه جنرال ضیاالحق درسال۱۹۷۷ ذوالفقارعلی بوتو رااعدام کرد، رژیم ضیا، احمدشاه مسعودوافغانهای مثل اوراتتحمل نمیکرد، زیرا آنهارا وفـادار و فرمانبردار دستگاه آی اس آی نمیدانست. مسعود باآنهم تاسال۱۹۷۸ که انقلاب صورت گرفت، درپاکستان باقی ماند. مسعود۲۷ ساله درماه می۱۹۷۹ باچندنفر همفکران خودرا به درهٔ پنجشیررسانید، تاشورشی راعلیه رژیم بنا نهد. مسـعـود ثابت ساخت که وی درجنگهای نامنظم گوریلایی نبوغ داشت. درمدت کوتاه پنجشیر رادرکنترول خودآورد وحملات خودراآغازنمود.

فرقهٔ چهلم شوروی درماه اپریل ۱۹۸۰ تاسپتمبر۱۹۸۲ شش حملهٔ عظیم رابرای شکست دادن قوتهای مسعود وبرای پاکسازی پنجشیر انجام داد. هرحمله ازنظر تکنیک، پیچیدگی، استفاده ازقوای خاص، سلاح زرهی وچرخ باهای توپـدار، بمب افگن ازحملهٔ پیشترخود تفاوت ارتقایی داشت. تمامی حملات قوای سرخ شوروی درسقوط دادن جنگاوران تاجیک به ناکامی مواجه شدند. این ناکامیها ازسوی کارشناسان افغانی، پاکستانی وروسی درسراسر جریان جنگ تشـریـح شده اند. اگرروسهادر سال اوودوم مسعودراشکست می دادند، شایدقـوتـهـای جهادی تحرک وموورال راازدست می دادند.

احمدشاه مسعود که درماههای اول جنگ بدون کمک خارجی میدان رانباخت، شکل افسانه بخودگرفت، ملقب به شیرپنجشیرشد و سمبول امید قوای مقاومت ضدکمونیستی درداخل افغانستان وسراسر جهان گردید. مسعود دربرابرحملات گلبدین از۱۹۹۲تا۱۹۹۵ وحملات طالبان از ۱۹۹۶تا۱۹۹۸ به دفاع پرداخـت، وقتاطالبان به نزدیکی کابل رسیدند، به پایگاه خود درپنجشیرعقب نشینی کرد. مسعود درارابطه باظاهرشدن درمقابل چراغ های پرتوافگن وکمرهٔ تلویزیونـی، شخص نسبتاً گوشه گیربود. درجلسهٔ که قراربود با ریچاردسن نمایندهٔ امریـکـا درسازمان ملل متحد ودیگران درشهر شبرغان اشتراک ورزد، نمایـنـدهٔ خـود داکترعبدالله رافرستاد. پس از آنکه درسال۱۹۷۹ ازپاکستان خارج شد، به سفـر خارجی نپرداخت. درسفرش به بلجیم وفرانسه دراپریل ۲۰۰۱ ازرهبران اروپـا تقاضانمود برپاکستان فشار واردبدارندتاازحمایت طالبان دست بردارند، وگفت: (بدون کمک پاکستان، ماشین نظامی طالبان دریکسال سقوط میکند.)

ترورواحمدشاه مسعود در۹سپتمبر۲۰۰۱ به زندگی وحرفهٔ یک فرمانده برجسته وپرتوان مجاهدین ضدقشون سرخ ویک عنصر عمدهٔ سیاسی تاریخ مـعـاصـر افغانستان خاتمه داد، وزمینه رابراحمله بر امریکادر۱۱سپتمـبـر۲۰۰۱ مـسـاعـد ساخت. من (بروس بریدل) دفعتاً مثل بسیاری ازمامورین سازمان سیای امریکاو اشخاص باتجربهٔ افغانی آن دوواقعه (۹ و ۱۱ سپتمبر) راباهم مرتبط پنداشتیـم . روزنهم سپتمبر روزمسعود، روزشهید، رخصتی عمومی درافغانستان میباشد، که زندگی ومرگ وی راتجلیل میدارند. مسعودبخاطری ترور شدکه تهدیدبزرگ به شبکهٔ القاعده وطالبان بود. آرامگاهش درتپهٔ سریچه درشـهـرک بـازارک پنجشیر ، زیارتگاه افغانهای زیادی میباشد.

جلال الدین حقانی :

جلال الدین حقانی که درسال۱۹۳۹ درپکتیابه دنیاآمده است، هنوز زنده می باشد. حقانی یک دستهٔ جنگسالاران را بنانهاد وتاحال فعال بوده ویـک جـزء عمدهٔ تحریک طالبان افغانستان راتشکیل میدهد. حقانی منبع بزرگ حـمـایـت شبکهٔ القاعده بوده ومانندابزاری دراختیار آی اس آی قراردارد. رئیس سـابـق ستادکل ارتش امریکا، جنرال مایک مولن، شبکهٔ حقانی را(بازوی حقیقی) آی اس آی پاکستان میدانست.

کودتای محمدداوود علیه ظاهرشاه، زندگی جلال الدین حقانی راهم تغییرداد، وهمکاری خودراباپاکستان آغاز کرد. درواکنش دربرابر سیاست حمایت محمد داوود ازقضیهٔ پشتونستان، دربی ثبات سازی افغانستان تلاش ورزید. بااستفاده از اعتباردانش علمی ودینی خود علیه حکومت محمدداوود اعلان جهادکرد. پسان ترجهاد خودراعلیه حزب دموکراتیک خلق افغانستان ادامه داد. حقانـی کـار مشترک را با آی اس آی وگلبدین حکمتیار ازقرارگاه خود درپاکستان آغـاز نمود. حقانی درکودتای ضدرژیم داوودخان درسال۱۹۷۴سهم داشت کـه بـه ناکامی انجامید. برخلاف احمدشاه مسعود، حقانی کار رابا گلبدین ومـولـوی خالص ، پس ازناکامی کودتا پایان نداد.شخصیت دینی، ارتباط قبیلوی، جذبهٔ کرزمایی وحمایت قوی آی اس آی ازحقانی، اورایک بازیگرپرقدرت درمیان مجاهدین گردانید. شبکهٔ حقانی یک پایگاه نظامی بنام ژور درخـوسـت در۴ کیلومتری مرزپاکستان به پول پاکستان اعمارکرد که درحقیقت پایگاه آی اس آی بود. رژیم کمونیستی کابل بادوازده هزارسرباز درسال۱۹۸۷ به ژور حملـه نمود. تلفات هردوجانب خیلی سنگین بود وحقانی زخم برداشت.

حقانی اولین فرمانده مجاهدین بود که جنگجویان خارجی، بویژه رضاکـاران عربی رابه افغانستان دعوت کردکه به قوای پشتونی او ملحق شوند. حـقـانـی روابط بسیارقوی با اسامه بن لادن داشت. با خروج قوای شوروی ازافغانستان، او مبارزه رابرضدحزب دموکراتیک خلق ادامه دادکه به سقوط رژیم نجیب الله انجامید. حقانی دردههٔ نود با طالبان یکجاشد وتاحال باآنها میباشد.

چارلی ولسن، سناتورامریکا وسفارت امریکادراسلام آباد، حقانی را دردهـهٔ هشتاد بصفت یک قوماندان برجسته وتوانای پشتون درجنگ ستایش کرد.

فرماندهان بزرگ زیادی درجریان جهاد دردههٔ هشتاد سربلندکردند. مجاهدین به هفت حزب سیاسی درپاکستان وچندین حزب درایران تقسیم شدنـد. هـر حزب سیاسی(تنظیم) درساحهٔ قوماندانهای زیادی داشت. درمیان آنهااحمدشـاه مسعود وجلال الدین حقانی دو فرمانده برجسته بودندکه دردرهٔ پنجشیر وپکتیا دربرابرفرقهٔ چهلم قشون سرخ ایستادگی می کردند./ (دنباله دارد)

****

نظری بر انتشارات تازه (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

تنهاسه جلد کتاب توانستم باخود بیاورم که یکی ازآنهاهمین کتاب(صائـب و سبک هندی) است. آنروز استادخلیلی چندین قصیدهٔ بلندواستادانه از آثارخود خواند، ازجمله قصیدهٔ جاودان واستادانهٔ(تابوت آتشین) وازمن خواسـت کـه ازشعرهای خود بخوانم ومن نیزچندغزل خواندم که مورد تـوجـه وعـنـایـت استادقرارگرفت، وازمن خواست که آنهارا بنویسم وبه نیوجرسی، محل اقامت استادخلیلی درامریکا، بفرستم. سپس فرمود: شماکه تاکنون هرچه خـوانـدی (غزل) بود، آنهم به سبک صائب ومیدانید که ماخراسانی ها به سبک خراسانـی قصیده می سراییم ـ استادخلیلی، افغانستان رابه سیاق گذشته جزیی از خراسـان بزرگ میدانست ـ اکنون اگرممکن است قصیده ای هم بخوانید. من شروع بـه خواندن قصیده ای بااین مطلع کردم :

بایدانسان بود، آنگه لاف زد ازشاعری لفظ شاعر ازشعور آید نه از لایشعری

سه چهارییت ازقصیده راکه خواندم، استادکه روی مبل نشسته بـود، ازجـای برخاست، من هم به احترام ایشان برخاستم وخواندن شعررا متوقف کـردم و چون درچندساعتی که درحضوراو بودم دیده بودم که هرچند یکبار وبـطـور مکرر به دستشویی میرود وخود انگیزهٔ آنرا ابرازداشته وگفت: من به (بیمـاری شکر) مبتلایم ـ که درایران به بیماری قند(دیابت) شناخته میشودـ پرسیدم استاد بیرون تشریف می برید؟ شاعرکهنسال وبزرگوار باخنده ای دلنشین فرمود: نـه خیر، من به احترام قصیدهٔ شما ایستاده ام ! من که باتعجب وازشرمـنـدگـی و خوشحالی برافروخته شده بودم، دربرابرچنین افتادگی وخاکساری سـکـوت کردم ... این اولین دیدار، چنان اثرعمیقی درمن گذاشت که گویی سالهاست با خلیل الله خلیلی، یارگرمابه وگلستان بوده و همدیگررا به خوبی میشناسیم...)

شایسته است به گونهٔ نمونه از نثراستوار وفاخرحضرت استادخلیل الله خلـیـلـی مرحوم را درپایان این بررسی کوتاه کتاب ارجمند(خلیلی شاعرافغان وایـران) نامه ای رابیاوریم که شادروان خلیلی دربرگشت ازورجینیا به نیوجرسی، خطاب به جناب داکترمحمدسیاسی فرستاده بودند، وجناب داکتر متن آن نـامـه رادر پیوست با مطالب بالا، در کتاب آورده اند :

سخنوراستاد، دوست گرامی دکتورمحمد سیاسی !

نامه وچکاکه و غزل هرسه نوازشگرجان وآویزهٔ گوش مشتاق گردید!. نامه ای مشحون ازمظاهر محبت وچگامه ای به استواری ستیغ کوهساران و غزلـی بـه لطافت دانه های باران بهاران. پختگی و صلابت چکامه مرابه یاد چکامه سرایان بزرگ زبان دری افکند که درعصر مابه ندرت می توانند درنقش قلم وقدم آنها پیروی نمایند وشما ازعهدهٔ این امرموفقانه برآمده اید، غزل شمایانگر احساسات لطیفی است که از منهل عشق والهام سرچشمه میگیرد، شمابدون مبالغه هـم در قصیده وهم درغزل مانند ستاره می درخشید، بقول بیدل (فولاد می فشـاری و آئینه می کنی) .

دوست بزرگوار وسخنور فولاد تراش آئینه ساز من، آنچه ازفروتنی وخـاک ساری مخلص نگاشته اید وبرخاستن مرآدربرابرقصیدهٔ شیوای خود حمل و شیوهٔ مرضیهٔ تواضع نموده اید، مبنی برنیک بینی و خوش نگری خودشماست. ای کاش بجای برخاستن وقامت آراستن، می توانستم کوچکی وسرافکندگی خود را چنان که شایسهٔ انسان عصرماست، عرضه میداشتم، قطره جلوه میکردم تا در دریامی شدم، دریغا قطره ای محقر وناچیز وبی مایه بیشترنیستم وآن دوسـت گرامی ازصفوت ضمیرخویش، مرا بزرگ پنداشته است...)

کتاب دوم جناب داکترمحمّد سیاسی(سرود زنده رود) در۵۱۹ صفحه، چـاپ ایران است. داکترعلی یزدی نژاد مهتمم فرزانهٔ کتاب درپیشگفتارومعرفی داکتر سیاسی مطالبی به رشتهٔ تحریرآورده که فشردهٔ آن چنین است: (... علی الرغـم کاستی های جهان ماشینی امروز، بزرگانی هستندکه میتوان آنهاراحلقـه هـای ارتباط میان حکما وطبیبان روحانی دیروز واطبای امروز دانست. بـی تـردیـد دکترمحمدسیاسی یکی ازین بزرگان است، که درطول زندگی پـرثـمـرادبـی خویش، محضربزرگانی چون حبیب یغمایی، دکترپرویزناتل خانلری فریدون مشری، استادخلیل الله خلیلی وامثال ومعاصرین آنهارادرک نموده ومجـالسـت ومؤانست داشته است ...

برای انتشارات میرماه مایهٔ افتخاراست که نخستین مجلدازمجموعهٔ (آثار ادبـی پزشکان معاصرایرانی) رابه سروده های استاددکترسیاسی طبیب وادیب عالیقدر اختصاص می دهد...)

(دنباله درصفحهٔ هفتم)

بازگشت همه به سوی اوست

ـ وفات مرحومهٔ مغفوره مادر جناب داکترمحمدهارون عظیم رادر افغانستان، به آقای داکترهارون و کلیه بازماندگان صمیمانه تسلیت میگوییم. امید

ـ حشمت الله ایمن پسر، ماری ایمن، شهناز آزادزوی، شیما ایمن، شهلا احسان، لیلما آزادزوی وصوفیا ایمن دختران، ثریاانصاری ایمن عروس، اسدالله شالیزی وخلیل آزادزوی دامادان، نسبت وفات مرحوم نجیب الله ایمن که جنازه قبلاً درورجینیابخاک سپرده شده، به اطلاع میرسانند که فاتحهٔ زنان ومردانهٔ مرحومی روزیکشنبه نهم نومبرازساعت یک تاسه بعدازظهردرمسجد مبارک مصطفی (ص) واقع درشهر انندل گرفته میشود.

وفات مرحوم نجیب الله ایمن رابه خانواده های عزادارصمیمانه تسلیت می گوییم . امید

بسم الله الرحمن الرحیم

به یادبود فرزندجوان و فداکار ووطنپرست، عطاالله منور نورزی، که آرزو داشت وطنش درآرامی بسرببرد وخوددوباره به وطن برگردد. ازدست ظالمان، وطن رادرسال ۱۹۸۴ترک گفته وبه دیاربیگانه مهاجر شد. این شخصیت عالی، خداپرست، وطندوست، باخردو بزرگ مهربان بود، وبخاطریک لقمه نان حلال شب وروز کارمی کرد. امامتأسفانه زندگی برایش چانس نداد، ودریک حادثهٔ ترافیکی صبح شنبه نهم نومبر۲۰۱۳ جام شهادت نوشید. ازوی همسر، دوپسر ودودختر بجا مانده است.

روحش شادمیخواهم بادیگرشهدای راه آزادی وطن، وبه خانوادهٔ محترمش تسلیت عرض میکنم. آمین ، پروین حسین ازلانگ آیلند نیویارک.

تاکه باشیم به جهان مهرتواست دردل ما
تو مپندار برفتی وفراموش شدی از دل ما

****

نظری بر انتشارات تازه (دنباله ازصفحهٔ ششم)

اینک بطورنمونه قطعه شعری راکه نویسنده وشاعرگرامی داکتر محمدسیاسی برای استادخلیل الله خلیلی بزرگوار زیرعنوان(دو غریب) سروده و پاسخ شاعرانه ودلپذیری راکه استادسخن خلیلی برای اونگاشته است، به آرزوی آشنایی باآثارگرانبهای دیگرش، به شماخوانندگان فرزانه وادب دوست جریدهٔ وزین امید ارائه میدهم :

تنها نشسته گوشهٔ بیت الحزن غریب — ما هر دو مبتلا، تو غریبی و من غریب
هریک دچارمحنت ودردی دوگانه ایم — هم دردیارغربت و هم در وطن غریب
تابوت تن بدوش کشیدیم سوی غرب — جان را نهاده دروطن خود زتن غریب
ما بلبلِ شکسته پـــــر باغ مشرقیم — افتاده بین زاغ و زغن در چمن غریب
(الوان کاغذیست که برشاخه بسته اند) — زآن آیدم به دیده گل وباسمن غریب
ما هر دو آشنای دیـــــار محبت ایم — با درد آشنا شده، با خویشتن غریب
بیگانه وار می گذرنداز کـــــنار ما — آیدبه چشم چهرهٔ هرمردو زن غریب
اصنام زور بشکستی به پُتک کلک — با بتگران(خلیل) بود بت شکن غریب

اینهم پاسخ شادروان استادخلیلی به داکترسیاسی :

باز ای شاعر آزاده غزل ها گفتی — چه سـخن های فروزندهٔ زیباگفتی
حرف حرف تومرا برد به دنیای دگر — حرف های دگر از آن سوی دنیا گفتی
گاه با مرغ سَحرخیز همآوا گشتی — گاه با اختر شبگرد سخـن ها گفتی
درسخنهای توازیست که من میدانم — راز دل با مـن شوریدهٔ شیدا گفتی
گاه ازیادوطن، اشک به دامن کردی — گاه دروصف چمن قصه به صحراگفتی
شمعسان سوختی وشرح غم هجران را — تا دل شب ، به دل سوخته، تنها گفتی
بوی خون، می دمدازشعردل انگیزترت — بسکه خونین سخنان چون گل حمرا گفتی
اصفهان نصف جهان نیست، که(صائب)دارد — ز چه رو ، نیمهٔ دنیا ، هـــمه دنیا گفتی
(صائب) این خامه بدست تونهاده، هشدار — که چنین نغز و دلاویز و فریبا گفتی

****

ORPHAN HOUSE FOUNDATION

موسسهٔ خدمات اجتماعی اورفان هوس غیرانتفاعی مستقل است، که راجستر شدهٔ ایالات متحدهٔ امریکا وافغانستان میباشد. اورفان هوس فعالیت خودرادر کابل درسال ۲۰۱۱ با به کرایه گرفتن یک خانه، و با جمع آوری سه کودک یتیم آغاز کرد. اکنون تعدادکودکان یتیم اورفان هوس به ۲۱ کودک به شمول سه دختریتیم رسیده، و کارکنان موسسه درتلاش هستند تاآنراگسترش بدهند.

بنیانگذار این موسسهٔ خیریه آقای داکترمحمدقدیر حلیمی، درشرح چگونگی اقدام به تأسیس آن، دروبسایت اورفان هوس گفته موسسهٔ شان درکابل توسط اتحادیهٔ اروپا، ازنظرخدماتی که به کودکان یتیم ارائه میگردد، وازنگاه آموزش وپرورش ورسیدگی به صحت آنان، تهیهٔ لباس پاک ومحل آسایش وصنف ، در ردیف نخست موسسات خیریه برای یتیم ها شناخته شده است.

علاقمندان به امورخیریه، میتوانند با مراجعه به سایت این موسسه ازطرز امداد رسانی به آن آگاه می شوند. شمارهٔ تلفون اورفان هوس: ۶۶۹۲ـ۳۶۶ـ۵۱۰ و وبسایت: www.orphanhouse.org

****

از میان فیس بوک (رُخ نما) ها

تقاضای حمایت از «امید»

خوانندگان ارجمند امید آگاه اندکه، دردو سه سال اخیر، بویژهٔ ماه های اخیر، به بن بست تأمین هزینهٔ چاپ وارسال به مشترکین گرامی مواجه بوده است. به همین سبب، یکتعداد مهربانان وعلاقمندان ادامهٔ انتشاراین جریده، ازماههای اپریل ومی و جون سال پیش، ماهانه مبلغ بیست دالر را، بعضی ماهانه، تعدادی ششماهه وشماری هم سالانه بعنوان اعانه به امیدکمک کرده اند. مشترکین گرامی نیزافزون بر مبلغ اشتراک ششماهه یاسالانه، باارسال مبلغی درحدتوان، از این جریدهٔ خویش دستگیری فرموده اند.

درسه ماه اخیر، عدهٔ زیادی ازمحبان شاید بنابر مصروفیت یا فراموشی، درارسال اعانات شان تأخیرصورت پذیرفته است. به این ذریعه به اطلاع این عزیزان رسانده میشود، که امید به مشکلات جدی مالی مواجه بوده، و اخیراً یکی ازآخرین اعلاناتش راکه یک چهارم صفحه بود، نیز بنابر مشکلات صاحب اعلان، از دست داد .

امیداست، عزیزان دوستدار این جریده ، باسخاوتمندی ومهربانی، هرچه زودتر چک اعانات شان را در وجهه (امیدویکلی) بفرستند، و ادارهٔ امیدرا منتدار لطف وکرم شان گردانند. اداره

****

داکتر یارمحمد سلطانی — هامبورگ ـ آلمان

نهضت آزادی زنان درکشور

نهضت آزادی زنان ازقید چادری یا برقع، درشروع قرن بیست میلادی، توسط شاه جوان وترقیخواه افغانستان، امان الله خان، آغاز شدکه متأسفانه توسط یک گروه ملاهای بیسوادکه دین رادرگرو بیدانشی خودقرارداده بودند، خاموش ساخته شد. دردههٔ دموکراسی یک عدهٔ قلیل زن هاصرف درکابل توانستند بدون چادری، امابا چادرهای اسلامی که مروج بود وبه زینت آنهاهم می افزود، ازمنازل خود خارج شدند، مگر اکثریت زن هاهمانطور باچادری ماندند، که تاامروز درتحت آن قراردارند، ونمی توانند پیش پای خودرا ببینند وازهوای تازه تنفس کنند، که ازنظرقانون صحت عامه غیرقابل قبول می باشد.

درمورد ذیل باید مراجع مربوطه اقدامات جدی نمایند واین پدیدهٔ ناسالم استعمار داخل وخارج را غیرقانونی اعلان کنند، وزنهای بیچاره و نادان را ازآن رهایی بخشند. امروزکه خوشبختانه یک خانم منوربنام رولا (بی بی گل) در رأس امورزنان قرارگرفته ودرین موردبطورغیرمستقیم، باخبرگزاری فرانسپرس مصاحبه کرده، وقانون حکومت فرانسه رادرمورد زنان نقاب پوش که بعدازین نمی توانند چهرهٔ شهررا هولناک بسازند، و خود راهم از دیدن وشنیدن وتنفس هوای آزاد محروم سازند، تایید کرده، جای امیدواری است که درافغانستان هم بتواند درین مورد با قناعت دادن منطقی وعلمی مردم را آگاه بسازد.

این نوع پوشش سرتاپای زنان، درصدر اسلام مروج نبود. حضرات محترمه امات المؤمنین بی بی خدیجه ، بی بی مریم، بی بی عایشه و غیره همه با ستر بودند وچادر به سرمیکردند، اما برقع وبه اصطلاح چادری دلاق نمی پوشیدند. همچنانکه دراکثردهات افغانستان نیزبسیاری از زنان که بامردان شان درکشت وکار همکار هستند، هیچگاهی چادری که سرتاپا را میپوشاند، نمی پوشند . زنان کوچی درهندوستان، پاکستان، افغانستان وایران نیز چادری نمی پوشند.

باید ازسازمان های صحی جهان وسازمان های حقوق بشر خواسته شودکه در زمینهٔ اضرار وخطرات چادری وبرقع سمینارها ترتیب داده وراه نجات زنان افغانستان را ازین معضله بیابند. مهمترازهمه، خطرات امنیتی که ازجانب چادری پوش های تروریست متوجه مردم میشود، قابل ذکربوده، و توجه مقامات امنیت عامهٔ کشورست که طورخاص بایدازپوشیدن چادری زن ومرد جلو گیری بعمل آید، تابرای همه شهروندان روشن گردد که درون خریطهٔ چادری کدام آدم قراردارد که خودرا از دیگران می پوشاند وبه دیگران نگاه میکند، اما خودش دیده نمیشود، والبته که این عمل خلاف معاشرت جامعهٔ بشری وحقوق انسانی واسلامی است.

ازبانوان گرامی که خود ازنعمت آزادی مستفیداند، وبه دیدهٔ بصیرت به دنیامی نگرند، وازهوای پاک تنفس میکنندولذت میبرند تقاضادارم که درین زمینه برای نجات خواهران شان مقالات متعدد بنویسند ودرمصاحبه ها اشتراک کنند واقدامات جدی بعمل آورند، تامنظرهٔ شهرکابل ودیگرشهرهای کشور ازحالت ترسناک ولی خنده آور ومضحک بیرون شود. ان شاءالله /

چاره جویی فاجعهٔ افغانستان

مجلهٔ امریکایی فارن افیرز درشمارهٔ نومبر۲۰۱۴ مقالهٔ ازپیترتامسن رانشرکرده است. عنوان مقاله این است:(درافغانستان چه اشتباهاتی واقع شدوچگونه تلافی وچاره جویی شود). پیترتامسن ازسال ۱۹۸۹ تا۱۹۹۲نمایندهٔ خاص امریکادر افغانستان بود، وی قبلاً کتابی باعنوان (جنگهای افغانستان) بچاپ رسانده است. در این مقالهٔ جدید Tomsenکتاب آقای کارترملکسیان چاپ ۲۰۱۳ اکسفورد یونیورستی پرس، ونیزکتاب کارلوتاگال(آن که دشمن نبود، امریکاوافغانستان از ۲۰۰۱تا۲۰۱۴)قدردانی کرده، وازناقص بودن حکومت حامدکرزی سخت اظهارشکایت نموده است. دراخیرمقاله برای چاره جویی فاجعهٔ امروزی افغانستان به حکومت امریکاسه پیشنهاد جدی میکند :

۱ـ امریکابایدطالبان افغانستان را درفهرست سازمانهای دهشت افگن شامل کند. نتیجه آن خواهدبودکه تحریمات مالی بربانکهاودیگر موسسات پاکستان، که مصارف طالبان راانتقال میدهند، تحمیل می شود .

۲ـ امریکا بایدبه پاکستان بطورقاطع بگوید که اگراسلام آبادعملیات طالبان افغان را قطع نمی کند، آنگاه امداد نظامی امریکابه پاکستان قطع خواهدشد.

۳ـ امریکا پاکستان رااخطار بدهد که اگرپشتیبانی خودرا ازطالبان افغانستان قطع نکند، درآنصورت پاکستان رادرفهرست کشورهای حامی تروریسم شامل خواهدساخت، و درچنین حالت، پاکستان مبتلا به نتایج وعواقب خطیراقتصادی، سیاسی ودپلماتیک خواهدشد. /

****

انفجاردرگردیز۴ کشته و۲۵زخمی به جا گذاشت

۴ نومبر/گردیز؛ باختر: دریک انفجار درشهر گردیزمرکز ولایت پکتیا شام دیروز۲۹تن کشته وزخمی شدند. انفجاردر مقابل عزیزی بانک زمانی رخ داد که مواد انفجاری رادریک دکان آن محل جا سازی نموده بودند. درمیان زخمیان زنان وکودکان نیزهستندکه به گفتهٔ داکترپکتین رئیس شفاخانه ملکی گردیزوضع هشت تن آنها وخیم میباشد.

پلیس جسد یک دختر را پیدا کرد

۲ نومبر/محمود راقی ـ باختر: جسد یک دختر جوان درکاپیسا دیروز توسط پلیس یافت شد.یک منبع امنیتی ولایت گفت: جسد این دختر که۲۲ سال عمرداشت وبا ضربات چاقو بشکل بیرحمانه بقتل رسیده از منطقه مرادخواجه یافت شد. پلیس برای ردیابی قاتل تلاش ها را آغاز کرده است .

اظهار نگرانی قوماندان امنیه کابل از اوضاع

اول نومبر/کابل ـ باختر: قوماندان امنیه ولایت کابل امروز دریک نشست مشورتی بانمایندگان نواحی شهرگفت زورگویی، حمل اسلحه غیرقانونی و استفاده از وسایط شیشه سیاه یک امرنگران کننده برای پلیس کابل است.

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر ـ یکسال(۹۰) دالر
کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر ـ یکسال (۱۱۰) دالر
سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر ـ یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly
P.O. Box 30818
Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
Email: mkqawi471@gmail.com

تبصرهٔ امید برخبرحذف نام قبیلهٔ احمدزی ازنام اشرف غنی : لاحول ولاقوت الا بالله ! داکترمحمداشرف غنی احمدزی، کسی که نمازخواندنش رادرسه چار ماه آخر بعضی هادیده اند وروزه گرفتنش را هیچکس ندیده ! موجودی که در یاری رساندن به داکترنجیب الله احمدزی پیشتازازدیگران بود، شخصی که از سال ۱۹۹۲ تا۱۹۹۶ درجانبداری ازقصاب کابل، گلبدین، حنجره پاره میکرد و از ۱۹۹۶تاامروزدرپشتیبانی ازکفارطالبی مشتهرگشته، ذیحیاتی که باچشم پارگی وبیحیایی آشکار، باتقلب ودزدی آرای ملت ، به اصطلاح کرسی ریاست جمهوری را، غصب کرده، بیشرم وهتاکی که چوچه های گلبدینی وافغان ذلتی وطالبی، ازکریم خرم وفاروق وردک، تا اسماعیل یون وواحدطاقت، از انور الحق احدی وعمر زاخیلوال وستارسعادت وغیره دجالان قومپرست وفاشیست منش و مامدگل مومند کردار، را زیر بالهای کرگس مانند خویش پرورش داده و در مدرسهٔ شیطانی ملیت پرستی پشتونی پروریده، یعنی ازتولد تامرگ از مفکورهٔ برتری جویی وانحصارطلبی قومی رهایی نمی یابد، وحتی پیش ازآنکه بابدنامی و سرخمی به کرسی ریاست جمهورتکیه کند، طالبان جانی وآدمکش ونوکرو مزدورآی اس آی پاکستان را، که همه برادران ناراض کرزی ملعون بودند، وحالا مخالفین سیاسی این احمدزی ملعون خوانده میشوند، وهمه زندانیان شان را محض به خاطرهم قوم بودن اززندانها رهاکرده است، از کدام مبنا و منشأ وبیخ و ریشهٔ باور واعتقادشیطانی خود، برای امحای قوم پرستی، خویشتن خویش را ازافتخاراحمدزی بودن محروم می سازد ؟ !

اشرف ! این نام قبیلهٔ بزرگ احمدزی است که به تواعتباری بخشیده، وتوپس از استفادهٔ ابزاری، آنرا دور می اندازی ؟! شرم برتوکه نام قبیله ات می شرمی!!

گیرم که باچنین دغابازی وتقلب، از افتخارنام قبیلهٔ احمدزی، کناره میگیری، با کلهٔ (زی)، با اعتقاد به (زی) ، با ابرام براینکه برای ادارهٔ امور افغانستان باید(زی) بود، با باورعمیق به خارجی بودن ومهاجر بودن همه اقوام افغانستان، بجزقوم پشتون، با وجودمشاورینی مثل کاکاقیوم کوچی احمدزی، بااین همه گند زدن به وحدت ملی واقعی درکشور، که انجام داده ای، چه کسی به چه سببی وباچه عقل ومنطقی باید باورکند که تواشرف غنی احمدزی، بخاطرقدم نهادن درراه ایجاد وحدت ملی، از اسم قبیلوی خود صرفنظر نموده ای؟

آیاراستی اشرف غنی احمدزی چنین آرزویی دارد؟ اگرچنین است به ملت افغانستان بگویدچرا پارسال گریبان می درید که درزندانی ساختن تروریستها، مساوات قومی وجود ندارد! یعنی اگرده طالب جانی ومزدور به زندان انداخته شد، برای ایجاد مساوات قومی، باید ده نفر بیگناه تاجیک یا هزاره یا ازبیک ودیگران نیزبه زندان افتد، تا (قسط) بعمل آمده وتوازن قومی صدمه نبیند !

اشرف غنی احمدزی هیچگاه معتقدبه حقوق مساوی ملت مانیست و نمی باشد، چرا که : گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه
به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد !

اگراین موجودغدارفاشیست، برصفحات تلویزیون ظاهرشد وازخواستن چنان مساوات شیطانی، ازمردم افغانستان پوزش خواست، آنگاه هریک ازآحاد ملت صرفنظرکردنش را ازنام قبیلوی اش باور میکنند، نه محض ادعا و اطوار و اداهای روبات مانندش ! و الّافرمودهٔ سعدی به روشنی بیان حالش را می نمایاند :

آهنی را که موریانه بـخورد — نتوان برد از و به صیقل زنگ
با سیه دل چه سود گفتن وعظ — نرود مـیخ آهنین در سنگ

این موجود تقلبکار وقتی شاید درعمرش برای اولین بارنمازخواندآنهم درکنار خانهٔ خدا، همگان دیدیم که منافقتش رسوا شدوعکسش نشان دادکه نمایش می دهد، ورنه جهت دعا عقب سرش بود. ببنید سعدی دربارهٔ او هشتصدسال پیش چه گفته است :

آنکه چون پسته دیدمش همه مغز — پوست بر پوست بود همچو پیاز
پارســـایان روی در مخـلوق — پشـت بر قبلـــه می کنند نماز

دو یادآوری ضروری : اول: قبیلهٔ نامدار ومحترم احمدزی، درین هموطنان خوشنام زیسته وبا همگان برادروار رفتارکرده اند. هرگاه دراین نشریه اشرف غنی احمدزی کدام وقتی بخاطرافکارفاشیستی اش مورد سرزنش قرارمیگیرد، به هیچ عنوان منظور، قبیلهٔ بزرگ احمدزی نمی باشد . دوم : پشتونها همه شامل یک قوم هستند، مثل بقیه اقوام درسراسرگیتی. قبیله ها، خیل ها، شاخه هاو آوبزهٔ همگان مربوط بهمان قوم میباشند. لذا این درست نیست که مثلا قبیلهٔ محمدزی را قوم محمدزی گفت، قبیلهٔ احمدزی راقوم احمدزی شمرد، یا خیل سیدخیلی ها را قوم سیدخیلی خواند. اینها و هر زی فقط وفقط شامل یک قوم، یعنی قوم پشتون میباشند. گفتن ونوشتن اقوام پشتون ازهرنظرکاملاً نادرست، ومحض آلهٔ دست فاشیستهای قومی وانحصارجویان میباشد، تادیگران هریک، یک قوم، وقوم متعلق به فاشیستها، اقوام شناسانده شود./

****

تلویزیون ژوندون (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

مارشال به کرزی گفت بگیر وبخوان . کرزی که ازمتن آن قبلاً آگاه بود، وهم ازمارشال فهیم میترسید وزمانیکه اسنادمحرم را ازوزارت خارجه به پاکستانیها انتقال میداد، اورا دستگیرولت وکوب نموده بود، خودرا خاموش گرفت، مگر حلقه ایکه به توصیه وهمکاری شان چاپ شده بود، شروع به توصیف وتمجید رساله ونگارندهٔ آن کردند، که سبب خشم مارشال فهیم شده، گفتگوی درکابینه بلندشد که نزدیک بودبه برخوردفزیکی تبدیل شود.

اسماعیل یون همهٔ این رساله های فتنه انگیز رابنام مستعار(سمسور) نشرکرده که جُبن و بزدلی نگارنده رانشان میدهدکه ازترس هویت خودرا پنهان نموده است. جالب این است که آقای یون که میخواهد زبان پشتو همگانی شود وهمه بجز زبان پشتو به زبان دیگری تکلم نکند، اخیراً هرسه رسالهٔ خودرا به فارسی ترجمه کرده، که خنده آوراست ونشان میدهدکه آقای یون خودبه اهمیت زبان فارسی در کشور پی برده، اما جرئت اظهارآنرا ندارد. شرم برتو وامثال تو باد اسماعیل یون !!! / (دنباله درشمارهٔ آینده)

****

جنرال محمدظاهرظاهرموجودیت فساد رادرادارهٔ پلیس کابل رد نکردمگر تاکیدنمودکه فساد به آن پیمانه نیست که ازآن حرف زده میشود. اوازوجود افرادیسواد دردستگاه پلیس یادآورشد وگفت حدود۶ هزارپلیس کابل فاقد سوادندوتلاش جریان داردتاآنها باسوادشوند .

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه نومبر ۲۰۱٤ ارسال دارند.

تلفون ٤٦٠٤ـ٤٣٥ـ ٥٧١
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 23, Issue No. 985 , November 5, 2014, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشتهای استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری وآقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ آنراز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, $19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

PHONE # (510) 792-2629 | BANK OF AMERICA | ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.

بنیاد پناه
PANAH
CHARITY FOUNDATION

PANAH CHARITY
P.O.BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

خبرتازه از قایق غرق شدهٔ حامل افغان ها

(دنباله ازصفحهٔ اول)

ابوب ارتوپ، صاحب قبلی این قایق به پلیس گفت اویک هفته قبل قایقش رابه یک فردعادی فروخته ونمیدانسته که خریدارقاچاقچی انسان است.این قایق، فاقد قطب نما، آله اندازه گیری آب، جنراتور، تلفن بی سیم، آله هشدار دهنده خطرهای احتمالی بود.قایق ازمنطقه موسوم به باقیرکوی، که ازمناطق جنوبی ومزدحم ترین قسمت شهر استانبول حرکت کرده ومسیر پرتردد تنگه استانبول (باسفورس) را با چراغ خاموش گذرانده است.درین تحقیق گفته شده قراربودکاپیتان، سرنشینان این قایق کوچک را درسواحل شمالی استانبول ودر آبهای دریای سیاه به یک کشتی بزرگترمنتقل کند.پلیس ترکیه افزود ازاینکه باتورن باچراغ خاموش حرکت کرده، درمسیر پرتردد باکشتی بزرگترتصادف کرده وغرق شد.این حادثه درنیمه های شب و در تاریک مطلق رخ داده است.

بررسیهای پلیس ترکیه نشان داد که اکثرسرنشینان به ویژه بزرگسالان واسکت نجات برتن داشتند، وبه احتمال زیادپس از واژگون شدن قایق، دراثرسردی هوا زمانیکه ساعتهابر روی آب شناوربودند، جان شانرا ازدست داده اند. روزدوشنبه ۱۲عقرب، خبر غرق شدن این قایق منتشر شد و در آنزمان اعلام شد که از مجموع سرنشینان آن، شش تن زنده نجات یافتند.ماموران گارد ساحلی ترکیه، با هشت کشتی و دو هلکوپتر عملیات نجات را آغاز کردند اما به به نظر می رسد که بدون این ۶ تن، تمامی سرنشینان هلاک شده باشند.پلیس دونفررا درپیوند باقاچاق این مهاجران بازداشت کرده اند اما تاهنوز هویت آنها افشا نشده است.

غنی احمدزی ناوقت روزگذشته به وزارت خارجه هدایت دادتا در هماهنگی بادولت ترکیه درموردحادثه غرق شدن این قایق تحقیق کند. احمدزی گفت او از شنیدن خبرمرگ افغانهای مهاجردرآبهای ترکیه شدیدا متاثر شده و دستور داده تا زمینه انتقال اجساد قربانیان به افغانستان فراهم شود.

وزارت خارجه ترکیه نیز اعلام کردکه سفارت وکنسولگری افغانستان در ترکیه دربخش تحقیق ویافتن بقیه سرنشینان قایق با دولت ترکیه کمک خواهد کرد. تلویزیون کانال ترکی اما گزارش دادکه تاهنوزمقامات کنسولی و سفارت افغانستان در این مورد با هیچ نهاد دولتی ترکیه تماس نگرفته اند، در حالیکه مسئولان سفارت افغانستان پس از وقوع حادثه باید درین مورد فعال می شدند، اماهنوز خبری ازمشارکت آنهادردست نیست. کارگر نوراوغلی، وابستهٔ بهداشتی سفارت افغانستان درانقره به بی بی سی گفت سفارت درتلاش است تا بستگان قربانیان را هم در ترکیه و هم در افغانستان پیدا کند.

پلیس ترکیه میگویدآبهای دریای سیاه به شدت خطرناک است، منطقه ایکه مورداستفاده قاچاقبران انسان قرارمیگیرد. خبرگزاری زمان ازقول مقامات امنیتی ترکیه خبردادکه اجساد بی وارث، ۱۵روز بعد در ترکیه دفن می شود.

خانواده هشت نفری احمدشعیب، درین قایق بودندکه درحادثه غرق شدن فقط آقای شعیب ونجیب برادرش نجات یافته و بقیه اعضای فامیل جان خود را ازدست دادند. احمدشعیب ۲۲ساله میگویدپدرش داکتر، مادرش معلم، برادرش روزنامه نگاربودندو خودش مهندس زراعت است.این فامیل ازافغانستان به ایران مهاجرت کرده و ازآنجا وارد استانبول ترکیه شدند. خانواده شعیب برای رسیدن به یکی ازکشورهای اروپایی، به قاچاقبران انسان، مبلغ هفتادهزار یورو پرداخت کرده وقراربودقاچاقبران آنهاراباکشتی لوکس مجهزبا اتاق های خواب و دیگر امکانات به اروپا انتقال دهند. شعیب میگوید: زمانیکه قایق فرسوده و کوچک رادیدیم، اعتراض کردیم، اما این اعتراض جایی رانگرفت، سرنوشت مابدست چندقاچاقبر بود و پولهای مانراهم پرداخت کرده بودیم، مجبورشدیم واردقایق شویم.به گفته شعیب، قایق حوالی ساعت ۱ نیمه شب ساحل راترک کردو بعد از مدتی آنهامتوجه شدند که درداخل قایق آب رسوخ کرده است.آهسته آهسته سطح آب درداخل بالا آمدتااینکه در نزدیک یک کشتی بزرگ باربری، سرنشینان این قایق کوچک تقاضای کمک کردند اما به این صدا ها هرگز جوابی داده نشد.قایق رفته رفته، سنگینترمیشد وآبی که از زیر قایق بداخل نفوذ میکرد بیشتر، ناگهان این قایق کوچک از زیر ترک برداشت.اعضای این خانواده یک هفته رادریکی ازهوتلهای استانبول سپری کرده بودند.

خانم گل جان احمدزی، دیگرنجات یافتگان این قایق است، اوگفت به خواست وتقاضای برادرش که درلندن زندگی میکند، افغانستان را ترک کرده و از راه قاچاق می خواسته به اروپا برسد. برادرخانم احمدزی، زمینه پیدا کردن قاچاقبر را فراهم کرده و قرار بود که او نخست به رومانیا و بعدا به بریتانیا برود.

دولت ترکیه گفت قبل ازسال ۲۰۱۰مسیرقاچاق پناهجویان به طرف اروپا خط سیر دریای شمالی به سمت بلغارستان بود و بعدا پناهجویان مسیر زمینی میان یونان-ترکیه وبلغارستان- ترکیه را انتخاب کردند.

زمانیکه یونان وبلغارستان مرزهایش را باچندین ردیف سیم خاردار و دیوارهای جالی آهنی مسدودکردند، مسیرحرکت پناهجویان به سمت دریایی جنوبی استانبول منتقل شدوازسال ۲۰۱۲ تا سال جاری تمامی مهاجران برای رسیدن به اروپا ازآبهای ساحلی استانهای چناک قله، ازمیر، بالک اسیر و موعلای ترکیه می گذرند.

براساس اطلاعات پلیس ، تنها درسالجاری میلادی ۱۰۵۰۰مهاجر از آب های جنوبی استانبول بازداشت و یا نجات داده شدند.پلیس ترکیه در تحقیق تازه خود گفته است که ممکن با فشار نیروهای جستجوی اتحادیه اروپا از مرزهای جنوبی و دریای مدیترانه (فونتکس)مهاجران دوباره دل به آبهای دریای سیاه بزنند.

این گزارش به همکاری انجمن پناهجویان افغان و خبرگزاری زمان در ترکیه تهیه شده است.

اصلاحات درنهادهای انتخاباتی صورت میگیرد

۵ نومبر/کابل ـ تلویزیون نور: داکترعبدالله رئیس اجرایی حکومت امروزبا شماری ازاعضای حزب متحدملی افغانستان دیدارو گفتگو کرد. رئیس اجرایی ضمن قدردانی ازحمایت حزب متحد ملی در انتخابات ازتیم اصلاحات وهمگرایی ، گفت این حکومت در خدمت به مردم متعهداست وتلاش خواهد کرد که اصلاحات لازم را در نهاد های انتخاباتی و حکومت بوجود بیاورد.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید ازشما ممنون می شوند .

تقاضای هماهنگی بیشتربین نیروهای امنیتی وناتو

۱۴نومبر/کابل ـ تلویزیون نور:داکترعبدالله رئیس اجرایی حکومت برهم اهنگی بیشترمیان نیروهای امنیتی کشورونیروهای ناتو تاکیدکرد. دردیداری که امروزجنرال جان کمپبل فرمانده عمومی ناتوبا رئیس اجرایی حکومت داشت، روی ایجاد هماهنگی وهمکاری میان نیروهای امنیتی کشور و نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان صحبت شدوفرمانده عمومی ناتو درمورد وضعیت امنیتی افغانستان به رئیس اجرایی معلومات داد .

هوتکی ازتالار مجلس نمایندگان اخراج شد

۵ نومبر/کابل ـ تلویزیون نور: مجلس نمایندگان معاون کمسیون انتخابات رابدلیل عدم حضوررئیس این کمسیون درمجلس، ازتالار اخراج کرد.این بار نخست نیست که اعضای مجلس نمایندگان از رئیسان کمسیونهای انتخاباتی می خواهنددرجلسه عمومی مجلس حاضرشوندوبه پرسش نمایندگان پاسخ گویند. امادرسومین دور درخواست نمایندگان، فقط معاون کمسیون انتخابات به مجلس حاضرشد، تا به پرسش نمایندگان پاسخ گوید.این عدم حضور رئیسان کمسیون های انتخاباتی، نمایندگان مردم راخشمگین ساخت و نمایندگان بهمین دلیل معاون کمسیون انتخابات رااز تالاراخراج کردند.

انتخابات افغانستان درازترین وناکام ترین انتخابات درسطح جهان گفته شده است. تقلبات گسترده درانتخابات گذشته ودستکاری برخی ازحلقات حکومتی درین فرایند، سبب شدتادر نتیجه توافق دو نامزدریاست جمهور، حکومت وحدت ملی بمیان آید. نمایندگان مردم مقامهای کمسیونهای انتخاباتی رابه خیانت دربرابر رای مردم متهم میکنند. صدیق احمدعثمانی نایب اول مجلس نمایندگان می گویدمسئولان کمسیونهای انتخاباتی باید محاکمه شوند.

بدنبال اخراج معاون کمسیون انتخابات ازتالار، مجلس نمایندگان تصمیم گرفت مقامهای کمسیونهای انتخاباتی رابه نهادهای عدلی و قضایی معرفی کنند.

هرچند گفته میشودبه اساس قانون، نمایندگان حق ندارند که در سال پنجم کارخود درقانون انتخابات تغییرات بیاورند؛ اماشماری از نمایندگان ادعادارند که آنان درسال چهارم تقنینی قراردارند ومی توانند به قانون انتخابات تغییر بیاورند.

این درحالیست که با اعلام نتایج نهایی انتخابات شوراهای ولایتی، اعتراض نسبت به تقلب های انتخاباتی توسط کمسیونهای انتخاباتی بالاگرفته است.

امریکا درصدد سرمایه‌گذاری ایران در افغانستان

۵ نومبر/نیویارک ـ بی بی سی:روزنامه وال استریت جورنال، چاپ امریکا گزارش داد این کشوردرصدداست به اقتصاد ضعیف افغانستان درسالهای اخیر کمک کند ودرین راستا نظامیان امریکارو به شریک ناخوشایند خود، ایران روی آورده‌اند. واشنگتن وتهران رابطه رسمی باهم ندارد وبدلیل اعمال تحریمها براین کشور،بدلیل فعالیت اتمی ایران، شرکتهای غربی ازکارباین کشور برحذر داشته شده‌اند. باتوجه به همه اینهااکنون وزارت دفاع امریکا درصدد است که همسایه غربی افغانستان را اجازه سرمایه گذاری در افغانستان بدهد.

به گزارش وال استریت، نیروهای امریکادردو سال گذشته دوبار به ایران اجازه داده که نخستین کارخانه داروسازی رادرافغانستان بسازد و درعرصه معدن نیزبه چهار شرکت ایرانی اجازه سرمایه گذاری در افغانستان داده شده است.

این یافته‌ها براساس مطالعات اسناد دولتی امریکاو مصاحبه‌هایی است که وال استریت باافراد فعال درزمینه انجام داده است. گفته شده که هدف این کارامریکا جایگزین پیداکردن برای ملیاردها دالری است که در ۱۳سال گذشته امریکا ومتحدانش به افغانستان کمک میکردند. جوزف کاتالینو، مسئول بخش تجاری وعملیات ثبات وزارت دفاع امریکاگفت برای افغانستان شما نمی‌توانید ایران رادرنظرنگیرید. این کشورشریک عمده افغانستان درزمینه‌های مختلف است.

بعدازصحبت تلفونی حسن روحانی وبارک اوباما، روسای جمهور ایران وا مریکا، یخ میان روابط دوکشور کمی آب شده و اکنون تلاش‌ها برای بهبود روابط ادامه دارد. جوزف کاتالینو مسئولیت برنامه ریزی پنجساله برای توسعه تجارت درافغانستان رابعهده دارد. ازسال ۲۰۰۹ تاکنون این بخش تلاش کرده که سرمایه‌گذاران بین المللی را برای سرمایه‌گذاری در افغانستان تشویق کند.

براساس گزارش خبرگزاری رسمی ایران، ایرنا، آمار ارائه شده از سوی اتاق مشترک بازرگانی و صنایع و معادن ایران وافغانستان نشان میدهدکه پارسال انواع کالابه ارزش افزون بردوملیارد و ۴۰۰ملیون دالر از ایران به افغانستان صادر شده است.ازین میان طی سال ۹۲ارزش کالاهای صادراتی استان خراسان رضوی به افغانستان معادل ۷۴۲ملیون و ۵۵۴هزار دالر بود.برین اساس افغانستان در سال ۹۲پنجمین کشور هدف صادراتی ایران با سهمی برابر هفت درصد ارزش دالری کل صادرات ایران بوده است. ارزش واردات ایران از افغانستان درسال ۹۲مبلغ ۳۲ملیون و ۲۹۷هزار دالر بود .

دیدارازآثارنسخ خطی آرشیف

۵ نومبر/کابل ـ باختر: داکتررهین وزیراطلاعات وفرهنگ وسفیرجمهوری چک مقیم کابل امروزازآثارنسخ خطی و تزیینی آرشیف ملی دیدن کردندودر حالیکه معصومه نظری رئیس آرشیف ملی وعمراخان مسعودی رئیس موزیم ملی نیزحضور داشتند ، داکتررهین ازهمکاریهای چک بخاطرتجهیزبرخی از بخشهای آرشیف ملی وکمکهای آن کشور به موزیم ملی، باقدردانی یاد کرد.

کمک سعودی به افغانها ازطریق دفتر بی بی گل

۴ نومبر/کابل ـ صدای امریکا:عربستان سعودی، از طریق دفتر بانوی اول افغانستان خانم رولاغنی احمدزی کمک لباس زمستانی و ۱۹۴تن مواد خوارکی را برای خانواده های بیجاشده تعهد کرد.موافقتنامه این کمکهاامروزمیان مسفربن عبدالرحمن آل غاصب، سفیرعربستان سعودی در کابل وعبدالصمدحامی، عضودفتربانوی اول افغانستان امضاشد. این نخستین کمک عربستان سعودی با افغانستان است که توسط دفتربی بی گل، خانم غنی احمدزی، بعد ازسفراحمد زی به آنکشور در ماه گذشتهء عیسوی صورت گرفت. سفیرسعودی گفت این کمک باحکومت افغانستان بخشی ازکمکهایست که باکشورهای اسلامی صورت میگیرد. کمک ها شامل مواد خوراکی، خیمه، لباس و کمبل میباشد.

وزارت مهاجرین وعودت کنندگان افغانستان میگوید خانواده های زیادی از مناطق جنوبی وجنوب شرقی وارد کابل شده اندکه اکثریت شان در هژده ساحه شانزده ناحیه کابل پناه برده اند. تعداد زیادی از خانواده ها درصفحات شمال نیز از اثرجنگها وخشکسالی بیجا شده اند.خانم احمدزی درجریان امضای موافقتنامه کمکهای عربستان سعودی حاضر نبود.در تقریبا سه دهه گذشته این اولین بار است که خانم رولا برای بهبودی وضعیت مردم در کنار شوهر خود ایستاده است. خانم احمدزی گفته که در جریان دوره پنج ساله ریاست جمهورغنی در راه بهبودی زندگی زنان افغان تلاش خواهد کرد، عده از اعضای جوامع مدنی امضای توافقنامه امروز را اولین اقدام بانوی اول در این راستا می خوانند.

پروژه جدید اداره انکشاف بین المللی امریکا

۵ نومبر/کابل ـ صدای امریکا:پروژه پنجساله کونترپارت جهت ایجادهماهنگی ونزدیک کردن همکاریها بین نهادهای جامعه مدنی زنان افغان به حمایت اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا راه اندازی شده است.کونترپارت به همین منظوریک نشست دو روزه راامروز درکابل راه اندازی کردکه زنان عضو ۱۳۰ نهادجامعه مدنی از ۲۴ولایت در آن شرکت کردند. سندرا پلیس مشاور بین المللی بخش جندرکونترپارت به خبرنگاران گفت ظرفیت سازی برای زنان رهبرکه میتوانند دربخشهای مختلف برای بهبودزندگی زنان کارکنند و مشکلات آنان را بهبود ببخشند یکی از اهداف این پروگرام است. خانم سندرا گفت ساختن یک شبکه که بتواند برای زنان داد خواهی ودراین زمینه تحقیق کند نیزازآرزوهای اوست (این یک پروگرام پنجساله است وما دراولین سال آن قرارداریم و امیدواریم درچهار سال بعدی بتوانیم شبکه بزرگی رادرافغانستان ایجادکنیم، ماعلاقمندیم ازنهادهاییکه درسال اول باآنهاکارمیکنم درسالهای بعدی بتوانیم ازطریق آنهابه قریه ها وروستاهای افغانستان دسترس پیدا کنیم.)

زنان شرکت کننده درپروگرام ازراه اندازی پروژه استقبال میکنند ومیگویند طبیق این پروژه، برای آوردن تغییردر زندگی زنان افغان مؤثریت قابل ملاحظه خواهد داشت.عزیزه محاکی رئیس مؤسسه حمایت از زنان و اطفال افغان در ولایت هرات در موردگفت این برنامه ها مؤثریت خاص خود را دارد، امروز زنانیکه جمع شده اند نیازمندیهای زنان ومشکلاتی راکه در قوانین وجود دارد و زنان امروزحضورفعال ندارند، مابایدکمکی باشیم برای آن خانمهاوبتوایم خانم های نیازمندرا ازین حالت بکشیم وتغییرات بنیادی درجامعه افغانی رو نما کنیم.)

شماری اززنان افغان درگذشته پروژه هاییکه برای رشدوبهبودزندگی زنان راه اندازی شده بود به دلایل مختلف مؤثریت قابل ملاحظه نداشته و میگویند انتظار دارندپروژه های که بعد از این راه اندازی می شود عملاً تغییرات را در زندگی زنان به وجود آورد.

امروزمسئولین USAIDدرصحبت مختصری بارسانه ها ازتطبیق یک پروگرام ده ساله دربخش جندربرای افغانستان خبر دادند. مسئولین این اداره گفتند ازطریق این پروگرام ۲۱۶ملیون دالررابرای ارتقای ظرفیت زنان به مصرف خواهند رساند.هدف این پروژه ظرفیت سازی برای زنان دربخشهای سیاسی، اقتصادی وتجاری گفته شده است.ازطریق این پروگرام که ازسال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ قراراست عملی شود ۷۵۰۰۰هزار زن بین ۱۸الی ۳۰سال دربخشهای یادشده اموزش خواهند دیدوقراراست تفاهمنامه این کمک روزشنبه تاریخ ۸نومبر با مقامات افغان به امضا برسد .

اتهام تازه برایران درباره اعزام افغانها به سوریه

۳۱ کتوبر/واشنگتن ـ بی بی سی: روزجمعه ادعاشدعدهٔ پیکارجو که درگذشته برای طالبان افغانستان می جنگیدند میخواهندبا حمایت مالی و نظامی ایران به سوریه بروند. وزارت امور خارجه امریکا میگویددرباره گزارش تازه‌که ایران رابه استخدام پیکارجویان افغان برای شرکت درجنگ داخلی سوریه متهم میکند اظهارنظر نمیکند.شبکه سی ان ان روز جمعه گزارشی را پخش کرد که در آن چندمردافغان که بانقاب صورت خود را پوشانده بودندمی گفتند که درایران آموزش نظامی دیده‌اند، قصد دارندبرای جنگ با امریکا به سوریه سفرکنند. آنان میگویندرگذشته برای طالبان جنگیدند وازایران برای نبردبه نفع حکومت سوریه پول میگیرند. این افغانهابرین باورند که میتوانند درسوریه باامریکا بجنگند. ایران درگذشته نیزمتهم شدشماری مهاجر افغان رابرای شرکت درجنگ سوریه استفاده کرده است. روزنامه درماه می امسال نوشت سپاه پاسداران ایران به هزاران افغان در ازای جنگیدن باشورشیان درسوریه، ازجمله کارت اقامت ایران وماهانه ۵۰۰دالرمعاش میدهد.دولت ایران این اتهام رابی‌اساس دانسته است.